

درانهدام اسناد بحامانده دشمن چه دستهایی دز کار بود؟!  
مجید شریف واقفی، اسوه استقامت و پایداری  
شوراهای دهقانی، خار چشم مالکین و فنودالها

# است

فکلاک جعنا کما کلامه سطا انکوا سندا اعلمی لنا من کون الرسول علیک سلهید

## از پیام امام خمینی به فیدل کاسترو

آقای کاربر یا تجاوز آشکار خود بحاک ایران  
چهره واقعی خود را بر مردم دنیا نشان داد و  
ادعاهای دروغین دفاع از حقوق بشر و انسان-  
دوستی خود را با این عمل وحشیانه به اثبات  
رسانید و ما به باری خدا تا نابودی کامل دشمنان  
اسلام و ملت‌های مستضعف جهان در برابر آنان،  
بخصوص در مقابل آمریکای جهانخوار، ایستادگی  
خواهیم کرد.

## بحرانهای اقتصادی، سیاسی، کردستان، انتخابات و مبارزه با امپریالیسم

## امپریالیسم یک نظام جهانی است، نه یک دولت خارجی

حق باید در موضع تهاجمی  
باشد این سنت الهی است و  
هرگاه به موضع تدافعی افتاد  
شکست میخورد

در حالیکه انقلاب ایران یکی از دشوارترین  
مراحل روبروئی خود را با امپریالیسم  
امریکا میگذراند، در حالیکه همه قدرتهای  
متحد امپریالیسم امریکا در سراسر جهان  
جبهه واحدی برای درهم شکستن مقاومت  
ملت ایران و سرکوبی انقلاب تشکیل  
دادماند، در حالیکه خبرهای پی در پی از  
طرزهای کودتا و شبه کودتا میسرند و نظائر  
دسیسه‌های دشمن بصورت خرابکاری و بمب  
گذاری توسط مزدوران داخلی امریکا  
و عوامل سیا - ساواک و موساد مشاهده  
میشود، در حالیکه انقلاب از هر سو به  
محاصره دشمن درمی آید و در داخل نیز با  
دشواریهایی و سائلی روبرو هستیم که اگر  
بطور جدی و واقع بینانه بررسی نشوند و  
اقدام فوری و انقلابی برای حل آنها بعمل  
نیاید، بطور قطع باید نگران سرنوشت  
انقلاب و آزادی و دستاوردهایی بود که با  
پیروزی خلق بر رژیم شاه بدست آمد -  
ما با صراحت و وضوح تمام این مسائل و  
مشکلات را اگر چه از دید مسئولین امور و  
ملت مبارز ما کاملاً پنهان نیست انگشت  
میگذاریم و به چاره‌جویی می‌نشینیم. زیرا  
انگیزه در برابر شرایطی مستقیم مشابه وضعی  
گفته‌شده ملی ایران در ماهها قبل از مرداد  
۳۲ با آن روبرو بود و با انقلاب شیلی پیش

و با شکست دشمن را مربوط و منتهی تر اضعف  
و قوت حق می‌شناسیم. هر وقت دشمن قوی  
است دلیلی را باید در ضعف خود جستجو  
کنیم. غلبه ما بر دشمن موکول به این  
نیست که دشمن دست از مبارزه بردارد و یا  
ضعیف شود - نه بلکه موکول به اینست که ما  
قوی شویم و به او حمله کنیم حق باید  
در موضع تهاجمی باشد. این سنت الهی  
است و هرگاه به موضع تدافعی افتاد -  
شکست میخورد.  
"بل نقد بالحق علی الباطل فیدمعد  
ماذا هوداهق" این مشتبهای گره کرده و  
سنگین حق است که باید بر مغز بوسیده  
و عفن باطل فرود آید و آنرا مملاتی کند -  
در اینصورت است که میشود گفت باطل  
رفتنی است -  
بر اساس بینش بوحیدی محور حرکت ها و  
عامل سرنوشت ساز در این نبرد همیشه  
تاریخ حق است نه باطل، مانع نه دشمن!  
پس واجب است که درباره خودمان،  
بقیه در صفحه ۲

اگر حمله نظامی امریکا انجام نمیگرفت  
و به دنبال آن از وجود یک شبکه نیرومند  
ضد انقلابی آگاه نمیشدیم و اگر چند روزی  
پس از آن بمب گذاریها و حملات مسلحانه  
به لانه جاسوسی آغاز نمیشد، متصدیان امر  
از خواب غفلت بیدار نمیشدند. تا بفکر  
چاره بیفتند و اعتراف به وجود خطر و  
دشمن در سرزمین خودمان بنمایند.  
اشکال قضیه این بود که مسئولین امور  
نمی‌خواستند و یا نمی‌توانستند امپریالیسم  
امریکا را جز به عنوان یک دولت بشناسند و  
تصور میکردند که ملت ایران با یک دولت  
خارجی طرف است که با سقوط شاه همه  
نفوذ خود را از دست داده و تنه‌امیتواند  
از خارج و از پایتخت خود با تبلیغات یا

تهدید نظامی و محاصره اقتصادی - به ما  
آسیب برساند. در صورتیکه امپریالیسم یک  
نظام جهانی است که طی سالها تسلط بر کشورمان  
تفودی عمیق در همه شئون جامعه بدست  
آورده بود. نفوذ امپریالیسم امریکا و  
متحدین آنرا راحت نباید به تسلط بر  
صنایع مونتاژ و نظام پولی و بانکداری  
و یا در ارتش و سلاح و تاسیسات آن محدود  
کرد - عمیق تر و خطرناکتر از همه نفوذ  
اجتماعی و فرهنگی است که امریکا تنها  
طرف سالها سلطه بر ایران بدست آوردند.  
امپریالیسم با در اختیار داشتن کامل  
شاه و همه مراکز قدرت و تصمیم‌گیری در  
سیاست - اقتصاد و امور فرهنگی تنها به  
بهره برداری مادی کوتاه مدت از منابع  
ثروت ایران اکتفا نمیکرد - آنان برنامه‌ریزی  
فرهنگی وسیعی را برای تحکیم سلطه خود  
آغاز کردند. بنحویکه همه زمینه‌های

## پایگاه کودتای خرنده آمریکا



محل متلاشی  
شدن ۱۳-۲  
مسلسل مربوطه:  
مسلسل ۳۲ مجهز به  
صدا خفه کن است که  
در محل تعداد زیادی  
از آنها مشاهده میشد  
که سوخته شده بود.  
در روی زمین لوله‌های  
۱۶ که اسلحه  
سازمانی ارتش  
امریکاست و تکه‌هایی  
از نارنجک‌های چهل  
میلی متری دیده  
میشود.

بنام خدا  
گزارشی از پایگاه کودتای خرنده آمریکا  
محل فرود هواپیماها و هلیکوپترهای  
آمریکایی که منطقی وسیع و کاملاً مسطح  
است، در ۲۷۰ کیلومتری بزد واقع شده و  
بنام کوپرت لوت میباشد. این محل نیمه راه  
رابط پشت بادام و رباط خان میباشد.  
ساعت ۱۰/۳۰ روز یکشنبه ۵۹/۲/۷  
وارد منطقه شدیم. یک نفت کش سوخته در  
۵۰۰ متری محل فرود وجود داشت که آثار  
گلوله روی آن کاملاً مشهود بود. در آن  
محل دو هلی کوپتر سالم وجود داشت، دو  
هلی کوپتر کاملاً متلاشی شده بوسیله  
بمباران بقاصله ۳۰۰ متر از همدیگر دیده  
میشد، یک لاشه هواپیمای ۲۰-۲۰ که کاملاً  
سوخته بود و در فاصله ۵۰ متری آن یک  
هلی کوپتر سوخته دیگر مشاهده میگردد،  
تعدادی که عده آنها حدود ۱۶ نفر بود با  
لباس نظامی در اطراف دیده میشدند، از  
چتر حفاظت هوایی و محاصره حفاظت زمینی  
از هلی کوپترها خبری نبود. پس از پیاده  
بقیه در صفحه ۱۱

مباحث ایدئولوژیک  
دکتر حبیب‌الله پیمان

## هدف از بررسی رویدادهای تاریخی

بر طبق سنت‌های تاریخی،  
سرنوشت ستمگران در هر  
مرحله از تاریخ همانست که  
ستمگران پیش بدان  
دچار شدند.

است - این سخن و قوانین بر امور و  
پدیده‌های خلقت حاکم‌اند - در هله اول  
و در یک نگاه سطحی و یا شناخت حسی  
بدست نمی‌آید - بلکه درک آنها مستلزم  
عمیق شدن در پدیده‌ها و تحلیل و جستجو  
و مطالعه و تجربه است. درست همان  
شیوه‌ای که دانشمند و محقق بکار می‌برد و  
او را به دریافت چیزهایی موفق می‌گرداند  
که برای یک ناظر عادی میسر نیست.  
تفاوت دو نوع نگاه را در عمق دید نیوتن و  
دریافت او از سقوط سیب از درخت و  
میلیونها بار دیدن افراد معمولی می‌توان  
فهمید.  
بقیه در صفحه ۱۰

## آمریکادار کمینگ‌گاه

هشوز مدت کوتاهی از تجاوز نظامی به  
ایران نگذشته که وزیر امور خارجه امریکا  
"سایروس ونس" از مقام خویش استعفا  
میدهد. استعفا "سایروس ونس" که  
وابسته به جناح باصلاح کمپوتران قدرتی در  
برادر "برونسکی" مشاور امنیتی کارتر و از  
بازهای فاشیست پنتاگون و پیرو خط  
دخالت نظامی و اعمال خشونت معروف  
بود، علاوه بر وجود یک بحران در کابینه  
کارتر، خود بیانگر آسنکه کارتر پذیرای  
نظرات "ونس" نشده است. امپریالیسم  
امریکا برای به انحراف کشاندن و نابودی  
انقلاب اسلامی ایران، به هر وسیله‌ای  
منوسل خواهد شد، قصد امریکا حفظ منافع  
استثنای خویش در ایران و در منطقه  
است، و برای تداوم سلطه سیاسی،  
اقتصادی و نظامی خویش، از هیچ جنایتی

نیروهای انقلاب باشد، امپریالیسم ناچار  
به طرح ضد برنامه‌ها دچار میشود و عملاً  
کاری از پیش نخواهد برد. همانطور که طرح  
ضد برنامه‌ها بوسیله رژیم وابسته به امیر -  
یالیسم، در گذشته شاهد بودیم. نیرویی  
که در برابر رژیم مغفور شاه برنامه داشت و  
حالت تهاجمی و حمله‌ای خلق و نیروهای  
انقلابی بودند، و چنین حرکتی باعث شد  
تا رژیم مخلوع شاه به طرح "ضد برنامه‌ها"  
دچار شود و حالت تدافعی از خود بروز  
دهد، که سرانجام به نابودی و سرنگونی‌اش  
انجامید.  
امروز هم در مبارزه ضد امپریالیستی باید  
ابتکار عمل در دست ما باشد. تنها در یک  
حالت تهاجمی و حمله‌ای و داشتن برنامه  
علیه امپریالیسم و منافع امپریالیسم در  
این مبارزه پیروز شویم. در این باره به  
دولت و شورای انقلاب بسیار هشدار  
داده‌ایم، که امپریالیسم امریکا را باید در  
مناسبات باقی مانده از رژیم وابسته گذشته  
و تغییر بنیادی آن نهادها شکست داد و تا  
آن لحظه که رشحاتی از سرمایه داری وابسته  
بقیه در صفحه ۳

## میلا دفاطمه بر مسلمانان انقلابی مبارک باد

تهاجم فرهنگی نظام جهانی امپیر -  
یالیسم بعد از کودتای تنگین ۱۲۹۹ ابعاد  
گسترده‌ای بخود گرفت و در این میان  
شخصیتها و الگوهای توده‌ها در پوششی از  
تحریف و خرافه مورد تهاجم واقع شدند  
فاطمه این دلاور زن تربیت شده در مکتب  
اسلام را آنچنان که خود میخواهند معرفی  
نمودند، آنچنانکه در بینش تشیع صوری  
می‌گنجید چهره فاطمه زنی را که خط سرخ  
شهادت بر کفیه محققش آرزین بسته و  
نیایش‌های علی آن شهید شدت عدل و  
خویش و فرزندان شهید و شاهدهای چون  
حسن و حسین و زینب در طلب و آرزوی  
شهادت بگوش میسرید آنچنان ترسیم  
نمودند که جانی که در تشیع اصیل و  
انقلابی نداشت. جا دارد در این حال و  
هوای ضرورت تغییر بنیادی در نهادهای  
فرهنگی و آموزشی و بازگشت بخویشتن خویش  
و فرهنگ اصیل اسلامی زنان مسلمان و  
انقلابی جامعه ما نبیند و راه فاطمه را  
دنبال کنند و فاطمه و زینب الگوهای آنان  
باشند.

# بحرانهای اقتصادی، سیاسی، کردستان...

بقیه از صفحه ۱

صفتها و قویانمان صحبت کنیم و انبساط و بیان و اسکالمان بپوشیم که اگر در سنجه پیش غلط و با غرور از این واقعیت غفلت مانیم، ضعف ها را بیسیم و با انگار کرده بیوسانیم و بجای آن برای توجیه شکستها دائما از قدرت دشمن از عملکرد و نوطه های او صحبت کنیم - بدست خود شرایط نابودی خویش را فراهم کرده ایم - خطاب ما به همه برادران و خواهران مبارز و نه ملت فهیمان و مسلمان آن است که بدانیم، نوطه شیطان و دسیسه های امپریالیسم فی نفسه چیزی نیستند که بتوانند حق را از پای درآورند که ان کند الشیطان کان صعبا -

### مسئولیت اصلی بردوش جوانهاوعناصرصادق ومؤمن به انقلابومکتب است که بجای پراکنده کاری، جدایی وتفرقه... صف متحدی برای دفاع ازانقلاب ومکتب تشکیل دهند

اگر عاملی باشد که موجب شکست شود و ما را از مسیر نجات و آزادی منحرف ساخته و به مراد سقوط وانحطاط و شکست فرو برد - ضعف ما وانحرافات داخلی خودمان است -  
ضعف های اساسی جبهه داخلی انقلاب را درجگوه روبرویی با مسائل مهم زیر باید شناخت -  
۱- بحران اقتصادی - اقتصاد وابسته به امپریالیسم کشور بعد از سقوط رژیم و حتی از همان ماههای انقلاب دستخوش تلاشی گردید - جریان تلاشی ونعطلی صنایع و مؤسسات تولیدی و بعد از پیروزی انقلاب و روی کارآمدن دولت موقت هم چنان ادامه یافت، آغاز بهم ریختگی شریازه اقتصاد وابسته قابل قبول و قابل پیش بینی بود - اما چنانکه از هر انقلاب ویا دولت انقلابی انتظار می رود - اینستکه بلافاصله و بعنوان یکی از نخستین گامهای اساسی و حیاتی تنظیم و اجرای قاطع یک برنامه صریح اقتصادی است - تا در کنار جریان تلاشی وانهدام سیستم کهنه یک جریان سازسازی انقلابی آغاز یگار کند - با توجه به اینکه بحران اقتصادی برای هر انقلابی یک آفت کشنده است و امپریالیسم از این آفت در تمام طرحهای ضد انقلابی خود بهره فراوان گرفته است - نهضت ملی ایران، شلی و... غفلت دولت موقت و دولت بعدی شورای انقلاب ورئیس جمهور از این کار اساسی هیچوجه قابل چشم پوشی نیست - در ۱۵ ماه گذشته مسئولین امور فقط شاهد فروریختن تدریجی اقتصاد و تولید و توزیع کشور بوده اند و بی آنکه طرحی روشن و مرحله های مشخص داشته باشند و شروع به اجرا کنند با سردرگمی - بلانگلیفی و بی برنامه گی فقط سعی کرده اند این بنای پوسیده را با زور وام های چند میلیونی به صاحبان صنایع وابسته سرپا نگاهدارند و چند روزی مرگ آنرا بنا خیر ببندارند و هنوز هم همان سیاست دنبال میشود - دولت موقت لیبرال سعی کرده که یک همان سرمایه داران وابسته کشور را نجات دهد - نهادهای دیگر که تحت لوای حزب جمهوری هستند سعی کردند بکف سرمایه داران مستقل تاجر کوچک و بزرگ این بیمار را نجات دهند و در همان حال مماشات و همکاری با سرمایه داران وابسته را رد نکردند - رئیس جمهور هم که پیش از انتخاب از برنامه اقتصادی و راه حل های سریع کوتاه مدت و دراز مدت زیاد صحبت میکرد چه در مقام عضویت شورای انقلاب و چه در زمان تصدی وزارت دارائی و چه در چند ماه تصدی مقام ریاست جمهوری یک طرح روشن و قابل تعریف ارائه نداد و به مرحله عمل درنیاورده است و عملا راه دولت سلف را ادامه میدهد - و اکنون این بحران بیداد میکند، گران - کمبود کالا - احتکار - گرانفروشی - سوء استفاده سرمایه داران و تاجران - طبقات مزدبگیر و کم درآمد جامعه را - سخت زیر فشار قرار داده است و مسلما این یک زمینه خطرناک از ناراضی است که کمال مطلوب دشمن است کافی است نگاهی به وضع کارخانجات - بازار وسایر مراکز تولیدی و توزیعی کنیم تا عمق فاجعهای که دهان می کشاید بهتر درک شود -

چه کسی وجه مقایسه مسئول باحکومتی به بحران اقتصادی است نمیخواهد از عوارض و ضایعات رژیم پیشین صحبت کند همه میدانیم راه حل شما چیست با کدام ابزار -

طبق چه برنامه و طرح اقتصادی - و به کمک چه نیرو و قشر اجتماعی میخواهند اقتصاد را از ورنگسنگی کامل نجات دهند یا بیشتر به گزاف درباره راه حل انقلابی برای نجات اقتصاد کشور صحبت کرده ایم و اصول آنرا بر سر مرده های ولی چه فایده!

۲- بحران کردستان - مشکل ملیت ها در حال حاضر متمرکز روی کردستان شده است - هم اکنون جنگ نفرت انگیزی در آن منطقه در جریان است و هر روز دهها و گاه صدها نفر از برادران رزمده پاسدار و سرباز و مردم غیور و برادر کردستان کشته و زخمی میشوند - خانه ها ویران و هزاران نفر زن و کودک و بزرگ و کوچک آواره و بی -

خانمان میکردند - ارتش و سپاه پاسداران درگیر یک جنگ داخلی تمام عیار شده است جنگ کردستان چون دشنه ای است که در پهلوی انقلاب ایران فرو میبرد - درباره علل بروز و رشد این بحران بیشتر بحث شدنیازی به تکرار نیست که بگوئیم با آن سابقه ورزیده سیاسی - اجتماعی وفرهنگی که در کردستان وجود داشت - سیاستهای دولت موقت و شورای انقلاب وهیئت ویژه حل اختلاف ناچه پایه غلط و محکوم به شکست بوده است - گفتیم که الان درباره عملکرد نیروها و عوامل ضد انقلاب صحبت نمیکنیم از مزدوران امپریالیسم - از فئودالها و از عناصر فرصت طلب، آیا انتظار همراهی با انقلاب دارید؟ سیاست دولت در برابر آن چه بوده است - جز آنکه از آغاز سیاست راه حل نظامی حاکم گردید - مردم کردستان شدند که تجزیه طلب هستند در صورتیکه چنین نبوده نیست - نسبت به خواسته های مردم کرد بی اعتنائی نشان دادید و در صورتیکه این خواسته ها مقایر با مصالح انقلاب و وحدت و تمامیت کشور نبود و در چارچوب نظام شوراهای اسلامی دادن حق خود مختاری کاملا ممکن میبود - زمانی که دولت میتوانست مستقیما با مردم کردستان برخورد کرده با تا مین خواسته شان - اعتماد آنان را جلب کند - ما مورین نظامی وغیر نظامی با فئودالها بند و بست کردند و سلاح دادند و سواطین و بدبینی مردم را جلب کردند - در هیچ زمینه های دولت قاطعیت و بینش انقلابی و مبتنی از خود نشان نداد - مزدوران و ضد انقلابیون که در کشتار مردم فارس و نواحی دیگر دست داشتند حمایت دولتی میشوند هنوز آزادانه میگردند و خشم مردم کردستان را برمی انگیزانند فئودالها و خوانین وابسته و همکار رژیم و سواکین مدافع انقلاب در برابر مردم کردستان شده اند - سیاست انقلابی این بود که حق مردم را دولت همان روزهای اول اعطا

میکرد طرح ونظام شوراهای خود مختاری ایالات را اجرا مینمود و همزمان با هر گروه و جریان و عنصری که ضدیت با انقلاب نشان میداد قاطعانه مقابله مینمود و کمترین مماشات هم نشان نمیداد دولت عکس آن عمل کرد -

بعد از پیام امام درباره دادن حق خود مختاری موقعیت جدیدی برای دولت پدید آمد تا اعتماد مردم کردستان را جلب کند و حسن نیت از خود نشان دهد اما همان سیاست پیشین ادامه یافت - سیاست تشدید خصومت وحل نظامی مسا له بردولت حاکم بوده وهست و هیئت حسن نیت هرگز حسن نیت انقلابی از خود نشان نداد - نزدیک نیست که اکنون بحران کردستان در نتیجه سیاست دولت و شوراهای هیئت ویژه سخت پیچیده وغامض شده است اما بنظر ما هرگز این بیجیدگی یک چنین کشتار و خونریزی متقابل را آنهم در شرایط حساس قطعی که خطر امپریالیسم عمده است توجیه نمی کند - اگر دولت در دادن حقوق و خواسته های مردم کردستان - بی اعتنائی بعضی خواسته های غیر منطقی گروهها - قدم پیش می گذاشت و وارد عمل میشد - آنگاه در اعمال قاطعیت در برابر فرصت طلبی حق می داشت - اکنون مردم کردستان که سالها ستم پهلوی را متحمل شده اند محکوم به جنگ غیر اصولی شده اند - تحت این

### ما معتقدیم سپاه باید استقلال خود را در حال حاضر از ارتش حفظ کند، آموزش ایدئولوژی - سیاسی برای سپاهیان پاسدار لازم است

این دو گروه اخیر با نفوذ و حمایت خود از حزب و بدلیل ترس وحشتی که از افکار مترقی اسلامی و جریانات غیر مذهبی داشتند، سیاست حزب را در جهت افکار و تمایلات و منافع خود بدنبال گشادند - حمایت توده های که این جناح بدنبال داشته و هنوز هم، با سیر نزولی، دارد بیشتر بعلت موقعیتی است که به عنوان حمایت از خط امام و انقلاب احرار کرده اند بدیهی است که این سخن بمعنای نفی سابقه مبارزاتی بعضی عناصر منفرود آن نیست -

در سایه سیاست حزب و جناح روحانی شورای انقلاب و هم چنین سیاست لیبرالی دولت که غالبا با هم همراه و هم موضع می شدند، ضد انقلاب از نابودی کامل نجات یافت و نشو و نما مجددا آغاز کرد و سرمایه داران و مالکان و مرتجعین بر و بال گرفتند - در بسیاری دستگاههای اجرایی نفوذ کردند، حتی عناصر و

شرایط حتی اگر شهرها فتح شوند، بحران کردستان تمام شده نخواهد بود، بعکس بحران عمیق تر می شود و چون زخمی چرکین انقلاب را مسموم می کند و جبهه ما را در برابر امپریالیسم امریکا آسیب پذیر می سازد - ادامه بحران و جنگ و خصومت در کردستان خواست امپریالیسم است -

۳- بحران سیاسی - بعد از ۱۵ ماه از پیروزی اختلافات و درگیری های داخلی نه تنها کاهش نیافته که بعکس ابعاد خطرناکی پیدا کرده است - که این بحران مستقیما مربوط به خط حرکت انقلاب، سیاست و منی جناحهای حاکم و مواضع سیاسی گروهها و احزاب مختلف است - روی هم رفته سیاست جناحهای حاکم در چینی بوده است که بجای تثبیت پیروزی آنها را در معرض خطر قرار داد و بجای دگرگونی بنیادی نهادها و نظام گذشته - بخشی را تثبیت و بخشی را بدل به نهادهای اسفا انقلابی و با محتوای غیر انقلابی کرده است و بالاخره بجای تحکیم وحدت خلق و انسجام بخشیدن به جبهه داخلی - عامل تزلزل و شکاف و ضعف و تفرقه در آن گردید -

دولت موقت بر اساس بینش لیبرالی خود عمل کرد، با سرمایه داران وابسته مماشات و همکاری نمود و سعی در تحکیم نظام منززل پیشین و در برخورد با دشمن راه مماشات و سازشکاری پیمود که نتیجه آن شکست دولت و سقوط آن بود یعنی در زمینه سیاست داخلی و خارجی راهی را پیمود که در هر حال به توقف حرکت انقلابی تبدیل آن یک حرکت ارتجاعی منجر می شد و این نیز از روی غرض و سؤ نیت است که فقط بدلیل نوع بینش و عقاید و تمایلات و گرایشهای فکری و اجتماعی - اقتصادی آنان بوده وهست -

جناح روحانی شورا که در رأس حزب قرار دارند و بر بسیاری نهادهای انقلاب تسلط پیدا کردند باز هم بر اساس پیش خاص خویش و به تصور اینکه تنها راه حفظ عموان اسلامی انقلاب - تسلط یک جانبه آنان و حزب بر همه کشور است، درصدد انحصار کامل قدرت برآمدند -

در این راه هر یک از نیروهای مترقی اسلامی را که حاضر نبودند نظریات و منی آنان را صد در صد تأیید و زیر چتر حزب قرار گیرند، طرد و منیم به اتهامات مختلف ساختند، تکیه گاه اصلی این جناح جدا از عده های جوانان صادق - طیف کسترده ای از قشرهای وابستگرا - (مرتجع فکری) قسری از سرمایه داران قرار گرفتند و

موفقیت بی نظیر از لحاظ قدرت، اختیارات حمایت امام و مساعدت و حمایت توده ها، حتی یک برنامه و راه حل انقلابی برای مسائل اساسی کشور و بحرانهای رو به رشد ارائه ندادند و اجرا نکردند، طرح اصلاحات ارضی که بعد از کششها و مخالفتهای بسیار به تصویب نهای رسید زیر فشار توده ها و عناصر جوان و صادق و مبارز در سیاه و جهاد سازندگی و عناصر مترقی مذهبی دیگر و ضرورت های عینی جامعه تا این مرحله پیش آمد -

سیاست دولت و حزب در مورد ارتش که از ابتدا مورد ایراد و انتقاد ما بود عملا با شکست مواجه شده است و چون امام بحث و نقد بیشتر درباره آنرا بمصلحت ندانستند به خودشان و به همه آگاهان واگذار می کنیم که با اطلاعاتی که دارند ارزیابی کنند -

هر اندازه حزب و دولت در سیاستهای داخلی خود برای تثبیت انقلاب و جلب رضایت توده ها و سرکوبی ضد انقلاب با تاکامی مواحه می شدند از ترس و بدلیل ضعف درونی به شدت فشار خود بر گروههای مخالف افزودند و درست است که این جناحها خود را همراه انقلاب و امام نشان داده اند اما محتوای سیاستهای آنان با معیارهای انقلاب و ویژگیهای خط امام هماهنگی ندارد، در هر صورت حزب از لحاظ طبقاتی خود را مدافع منافع سرمایه داران ملی، تاجر بازار و بدلیل نفوذهای ارتجاعی، حتی مدافع بخشی از سرمایه داری وابسته نشان داده است و لذا عملا سهم خود از تشکیل شوراهای واقعی و تسلط آنان بر کارخانجات جلوگیری کرده است، اگرچه بر خلاف دولت و رئیس جمهور، طرفدار رسمی شوراها بوده است -

مسئولیت حزب و روحانیون شورای انقلاب بدلیل موقعیت خاصشان، در برابر وضعی که پدید آمده و سرنوشتی که انقلاب بدان دچار است سخت سنگین می باشد - از آنجا که حزب و روحانیون وابسته بدان و دلبران همه سرنوشت خود را با سرنوشت انقلاب و خط امام گره و پیوند زده اند، لذا ضعفها و عملکردهاشان مستقیما بر انقلاب و امام ضربه می زنند و تأکید امام از آنان خواه و ناخواه به عنوان تأکید همه عملکردهای آنان تلقی می شود و موجب می گردد که در ادامه به شیوه های غلط خود یا برجا و استوار بمانند -

۴- انتخابات مجلس، ترکیب مجلس در یک چنین شرایطی مسلما نمی توانست یک ترکیب انقلابی، مبتکی باشد، حزب برای بر کردن مجلس از نمایندگان تابع خویش هر معیاری جز تسلیم بودن را کنار گذاشت (بدیهی است سوابق ساواکی بودن مستثنی است)، از این رو چنانکه گفتیم بسیاری مرتجعین فکری، نمایندگان سرمایه داران، و عناصر فرصت طلب و با سابقه ضدیت با روحانیت مبارز و انقلاب و حتی عناصر لیبرال و سازشکار - وارد مجلس شدند - سیاست رئیس جمهور در مقابل حزب آن



بود که مجلس بکسر در خط وی باشد و بی چون و چرا اطاعت کند ولی نسجه چندان به نفع وی نبوده است - از این مجلس نمی توان انتظار تصویب طرحهای انقلابی - مبتکی داشت، اما بعکس باید منظر بود که نهادهای سرمایه داری را بنحوی تأیید و تثبیت نماید و جلوی رشد افکار مترقی و انقلابی اسلام سد و منع ایجاد کند، اما ظاهرا بدلیل استقلال نسبی که رئیس جمهور دارد در برابر نامین وی به تمرکز همه قدرت ها و اختیارات در دستهای رئیس جمهور مقاومت نشان خواهد داد -

۵- مبارزه ضد امپریالیسمی در این زمینه علیرغم شرایط بسیار مساعد چه بعد از پیروزی ۲۲ بهمن و چه بعد از اشغال لانه جاسوسی امریکا و چه بعد از قطع رابطه و بالاتر از آن در شرایط بحرانی فعلی که حملات نظامی و نوطه های براندازی امپریالیسم آغاز شده است، متاسفانه سیاستهای دولت و شورا اجازه نداده است این مبارزه محنوی واقعی پیدا کند و کشور را از لوت مزدوران و از وجود نهادهای اقتصادی - سیاسی و نظامی وابسته پاک سازد آنان به دادن شعار و تظاهر به مبارزه انگفا کردند، هر بار پس از چندی دوباره هیاهو فرو نشست و مردم خسته و غیب نشسته مذاکرات آغاز شد، دشمن پایگاههای خود را نگاهداشت و به جمع آوری نیرو و سازماندهی پرداخت و دولت و شورا بجای باز کردن یک جبهه واقعی مبارزه با امپریالیسم که می توانست همه نیروهای جامعه را پشت سر آنان متحد سازد و تضادهای غیر اصولی داخلی را از بین ببرد، در آن جبهه فقط حرف زدند و شعار دادند و در مقابل تضادهای داخلی را تشدید نمودند -

برای نبرد با امپریالیسم باید در جبهه اقتصادی - نظامی - سیاسی و فرهنگی توام عمل نمود - برای ابتکار هم طرح و برنامه لازم است و هم ابزار و نیروی متناسب، جز این هرچه بکنند مالا بسود امپریالیسم است رئیس جمهور و شورا دائما مضاحبه می کنند و صحبت از مبارزه اقتصادی - نظامی - سیاسی با امپریالیسم می نمایند ولی معلوم نیست طرح مشخص اقتصادی برای محو وابستگی و رسیدن به خود کفائی کدام است - آیا بسیج توده های انجام گرفته است آیا مواج راه - سرمایه داران وابسته - صنعت مونتاژ مالکان و فئودالها، تضادهای داخلی و جنگها، از میان برداشته شده اند، در جبهه نظامی معتمدین انکا اصلی باید به سپاه پاسداران و ارتش ۲۰ میلیونی و واحدهای بسیج و مقاومت باشد که در همه جا باید تشکیل شود و ارتش پیش از یک تصفیه و بازسازی کامل محور قرار گیرد، شوراها، پایه های مقاومت توده ها و عامل حاکمیت خلق بشمار می روند اما متاسفانه رئیس جمهور رسا "با شوراها مخالف است و آنرا با تمرکز قوا در دستهای خود مقایر می بیند و شورا هم حمایتی از آنها نمی کند، هم اکنون جبهه اقتصادی ما در برابر دشمن از همه وقت ضعیف تر است کارخانجات مونتاژ و وابسته تاکنون میلیونها تومان از بیت المال گرفته اند میزان فعالیت آنان کاهش بیشتری پیدا می کند، شوراهای کارگری محدودتر می شوند و مبارزات کارگران بجای آنکه متوجه در دست گرفتن کارخانه و رسیدن به استقلال و حذف سرمایه داران وابسته باشد، صرفا روی هدفهای رفاهی متمرکز می شود و بحران را عمیق تر می کند ما به بقیه در صفحه ۳

## تأیید قرار جامع بی طبقه توحیدی، انقلاب اسلامی ادامه دارد

# درانهدام اسناد بجامانده دشمن چه دستنهائی در کار بود؟!

## چه مقامی مسئول تأمین سیستمهای دفاع هوائی کشورمان بوده است؟!

ما از هیات حاکمه و مسئولان امور ملکنی سخاوتمند که با توجه به موارد زیر باسناد سؤال فوق را به ملت ایران بدهند.

۱- در صورتیکه سیستمهای کسب خبر مریبائی ما آنقدر مجهزند که بنا به ادعای رئیس ستاد ارتش ( در روزنامه باسناد ۵۹/۱/۲۸) توانستند نقل و انتقالات نواحی سورری را کنترل و ضبط نمایند، پس چرا هیچک از مسئولان مریبائی کشور ورود و خروج هواپیماهای مهاجم آمریکائی را بموقع به مرکز عملیات فرماندهی ستاد مشترک ارتش گزارش ندادند؟

۲- صرفنظر از استدلال واهی و بیوردی که درباره مناطق کور رادارها مطرح است، اگر سیستمهای کنترل هوائی برخی از خطوط مریبائی کشور با اصولاً فاقد سیستمهای کنترل هوائی بوده‌اند که مریبانان آن منطقه نتوانستند خبری را بموقع کسب و ممرکز عملیات فرماندهی ستاد مشترک ارتش گزارش نمایند، چرا این نقص و فقدان تاکنون مطرح نگردیده بود؟

۳- در حالیکه کنترل مرز هوائی ایران در قسمت مریبائی پاکستان، تا زمان برقراری پیمان سنو، بوسیله رادارهای پاکستان

باید و بدینترتیب، آقای "باوس" بوجه آنان را برای همکاری یا یکدیگر، جهت نابودی اسناد، حبل نموده است و می بینیم که چند ساعت پس از پخش این پیام‌ها از طریق خبرگزاری مزبور، همه عوامل داخلی دست بدست هم میدهند و دستور صادره از پنتاگون، دقیقاً بمورد اجرا درمیآید. اینست اولیه تیره افتخارآمیز پاکسازیهای "سه کودتائی" در ارتش.

اینک باید دانست:

۱- مقامات نظامی و غیر نظامی که در امر بمباران هلی کوبترها، مورد مسورت رئیس جمهور قرار گرفتند چه کسائی بوده‌اند؟ ما در اینجا از آقای رئیس جمهور میخوانیم که برای رفع هرگونه شبهه و بدبینی، شبکه‌ای را که در امر تجاوز هواپیماهای آمریکائی دخالت داشته‌اند و در سخنرانی خود در اصفهان، به آنها اشاره کردند، هرچه زودتر به ملت ایران معرفی نمایند.

۲- امریه صادره از ستاد مشترک ارتش به نیروی هوائی و حلیانان مامور اجرای بمباران بر چه مبنا و محتوی چه نکاتی و خطاب به چه مقام و سازمان اجرائی در نیروی هوائی، صادر گردیده که فرمانده و جانشین فرماندهی نیروی هوائی، تا پس از اجرای امر، بی اطلاع بوده‌اند؟؟ مبنای و مقامات مؤثر در این امریه و همچنین معاد آن، میتواند راهگشای حل این مسئله باشد.

۳- در صورتیکه آقای رئیس جمهور در مصاحبه مطبوعاتی خود پیرامون غلبه نابودی هلی کوبترها، عبارت:

بمباران بوسیله راکت "ما مطرح نموده‌اند، چرا فرمانده نیروی هوائی در مصاحبه خود با روزنامه اطلاعات (دوشنبه هفتم اردیبهشت) اظهار میدارد: "برخلاف آنچه که انتظار یافته، هیچگونه بمبارانی انجام نشده است!"

۴- فرمانده نیروی هوائی که مدعی است با

سؤال را با پیام مطبوعاتی هارولد براون وزیر دفاع آمریکا آغاز می‌کنیم. بموجب خبر منتشر در صفحه دوم روزنامه اطلاعات شنبه ششم اردیبهشت ماه، و به نقل از خبرگزاری آسوسیندپرس، هارولد براون چند ساعت پس از مراجعت موفقیت آمیز کماندوهای آمریکائی (البته موفقیت آمیز از نظر آمریکائیان ولی حجت‌بار و تجاوز و نوظنه از جانب مردم ایران) در یک کنفرانس مطبوعاتی (البته علی الظاهر ولی در اصل، بمنظور ارسال یک پیام رادیویی از طریق خبرگزاری‌ها) گفته بود: "هیچکس نباید در تصمیم ما تردید کند. بگذار که هیچ سو تعبیر در مفهوم این حوادث باقی نماند.

اگر به عبارات و محتوای این پیام (مصاحبه مطبوعاتی) از دیدگاه دیپلماسی نگاه کنیم، قسمت اول آن را میتوانست دستور صریح و نهائی و لازم الاجرای طراحان "نورسبز" به عمل داخلی و ستون پنجم خود، برای بمباران آثار و بقایای تجاوز آمریکا باشد.

قسمت دوم پیام، میتواند "دلیل صدور این دستور بوده باشد بدین ترتیب که: آقایان، هلی کوبترها و هواپیماهای بجامانده را بمباران کنید تا هرگونه آثار و مدارکی که روشنگر نقشه و مجریان طرح است، نابود شود و هیچکس کمترین اطلاعی، از طرح کلی ما ننماید. مکمل این پیام مطبوعاتی و مبنای این استنباط، پیامی است که (بموجب گزارش درج شده از همان خبرگزاری) در همان صفحه از روزنامه اطلاعات ("زابت باوس" نماینده مجلس نمایندگان آمریکا فرستاده است ایشان از طریق خبرگزاری آسوسیندپرس پیام فرستاده‌اند که: "یکی از هلی کوبترهای بجا مانده، حاوی اسنادی است که جزئیات عملیات "نورسبز" را مشخص میکند." که البته منظور از کلمه "جزئیات" چیز دیگری جز روابط و عوامل و همکاری داخلی طرح حمله، نمیتواند



### آمریکا در کمینگاه

و مناسبات آن در ایران باقی است، امیر- بالیسیم در اینجا است و ریشه کن نشده است. و همه آنهایی که به هر صورت بوجه کر مناسبات سرمایه دارند، باز آورنده سلطه امپریالیستی میباشند.

بحران جهانی از مسائلی که نگاههای تبلیغاتی امیر- بالیسیم آمریکا و صهیونیسم هر روز دامن میزنند. منتهی نمودن انقلاب اسلامی ایران به ایجاد یک بحران جهانی برای مردم دنیا است.

امپریالیسم آمریکا میخواهد تا به این وسیله شکست برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و حویش و روند زوال بدینرئز رانوحده نموده و به عوامل خارجی نسبت دهد، تا بوشی باشد برای نارضایتی مردمی که در این کشورها زندگی میکنند، و از جهتی وانمود کردن اینکه جهان بر لب یرنگاه سقوط است و بحران جنگ و نابودی هر لحظه امکان پذیر، دنیا را در یک وحشت و التهاش نگهدارد. تا از درون این وحشت و التهاش سلطه جهانی و مقاصد نوم و جهانخوارگی خود را بدوامم بخشد. اما برآستی بحران جهانی در کجاست؟ درجانب سرمایه داران، درعرضه و تقاضای دلار، در بازار و بورس طلا و در بانک‌های سرمایه داران، در میان ترانست‌ها و کارتل‌ها، که سالهای سال منافع و منابع مجروحان جهان را به غارت میزنند. بحران در جهان سرمایه داران است و نه در جهان مستضعفین. و هستند جهان همیشه در بحران بوده و هستند، آنها، تنها در یک بحرانند، بحران استثمار نموده و استثمارگر غارت شده و غارتگر، و بحرانی که نبرد دائمی است تا زوال و نابودی امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا، و هرچه این بحران شدیدتر و در اوج بیشتر باشد، نابودی شیطان بزرگ، نزدیکتر خواهد شد. بنابراین سخن از بحران جهانی گفتن که مناسفانه در مطبوعات کشورهای مجروحان است، بدون روشن نمودن محتوای "بحران" جهان سرمایه داران یا جهان مجروحان، قریبی است که امپریالیسم برای یوتاندن تجاوزات خویش علیه قلمهای جهان

## بحرانهای اقتصادی، سیاسی

وحدت همه نیروها و اقتدار مردم در این مبارزه همد جانبه نیاز داریم و دولت و شورا باید بوجبات و شرایط لازم برای تحقق این وحدت را فراهم آورند.

۶- انقلاب فرهنگی. در این باره قبلاً صحبت شده است و اشکالات طرح و برنامه دانشجویان انجمن‌های اسلامی و سازمان دانشجویان مسلمان را بر شمردم، انقلاب فرهنگی در شرایط بعد از انقلاب، کسب قدرت سیاسی، بدون انجام انقلاب در سایر شئون جامعه بی نتیجه نمی‌رسد. در ضرورت آن تردیدی نیست، اما از برادران خود سؤال می‌کنم اگر سیاست اقتصادی انقلابی نباشد، سیخ مردم و شوراها مورد اعتنا نباشد، کسمل جوانان به روستاها بهینهائی چه شکلی را حل خواهد کرد، آیا می‌توانند بی اعتنا به ساستهای اساسی دولت بیانهائی جامعه را دگرگون سازید - به اضافه تلاک و معیار انقلاب فرهنگی اسلامی هنوز تعیین نشده باید در برابر خطر حاکمیت نوعی افکار واپس‌گرا تمام اسلام بر مونسات آموزشی و بر کلیه شئون فرهنگی دیگر جامعه تکران باشد و احساس مسئولیت کنید. اگر این انقلاب بتواند نهادهای کهنه را که حتی در بوشش اسلام و انقلاب به حیانت خود ادامه داده‌اند درهم بریزد باید از آن استقبال کرد - پس اول خطوط هدفهای اصلی این انقلاب را تعریف کنید تا همه بدانیم برای چه هدفی دست بکار می‌شویم - انقلاب فرهنگی نمی‌تواند به مونسات آموزشی محدود بماند باید همه جا را فراز گیرد و الا در دانشگاهها هم شکست می‌خورد - رهبری این انقلاب را باید کسائی در دست داشته باشند که در فکر و اندیشه و در عمل خصوصاً انقلابی، و مکتب باشند.

۷ - سیاه‌پسداران اهمیت این نهاد در حفظ دستاوردهای انقلاب و دفاع در برابر توطئه‌های دشمن کم نیست - سیاه بردوش توده هوائی استوار است که در جریان انقلاب رو در روی رژیم قرار گرفتند یعنی از مبارزین سابق و زندان دیده (بخشی بزرگتر از جوانان محروم (مستضعف که اواخر به انقلاب پیوستند و جان برکف در صف مقدم در برابر تانکها و تفنگها ایستادند - بخش اخیر فقط مومن به انقلاب است و رهبری آنرا پذیرفته اند اما هنوز فرصت نیافته تا پیش و طرز فکر مکتبی و ارتش‌پسندی پیدا کند. با توجه به وضعیت خاص ارتش و سایر قوای اسطفا و پلیسی - می‌بایست به سیاه اهمیت بیشتری داده شود سیاه رسالت انقلابی داشته و خود را در خدمت انقلاب اسلامی می‌بیند. لذا نباید با آن به عنوان یک نیروی نظامی صرف نگاه کرد - تمایل حزب آن بوده که آنرا بازوی نظامی خود قرار دهد. تمایل رئیس جمهور آستگه سیاه بصورت جزئی از ارتش - از سیاست و مکتب جدا شود و فقط فرمانبرداری و رئیس جمهور و فرماندهان باشد. هر دو تمایل انحرافی است، سیاه باید سیاسی مکتبی باشد تا بتواند در خط انقلاب حرکت کرده از آن حمایت نماید. بعضی واحدهای سیاه بر همین اساس در تقسیم اراضی و سرکوبی فتوالها دخالت کردند که مناسفانه مورد اعتراض سخت رئیس جمهور قرار گرفته

و ادامه سلطه کری و جهانخوارگی اش می- نماید. دو وجهه در مقابل هم درشناخت از امپریالیسم و جگوسکی عملکرد آن بارها درامت نوشتیم که امیر- بالیسیم امروزه در یک با چند دولت خلاصه میشود، بلکه بعنوان یک جنبه جهانی ضد خلق و ضد انقلاب در برابر حبیبه خلق و برای غارت منافع و منابع آنها تلاش میکند. بیرون تر "سه جهان" به سارتی با حبیبه امپریالیسم در افتاده‌اند و "علا" در جهت سیاست‌های آمریکا قرار گرفته‌اند.

امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا، امروز هرچه بیشتر برای مقابله با حلقه‌های بیخاسته خود را متحد میسازد و نوکران جیره خوار و حکومت‌های دست نشانده‌اش را هرچه بیشتر به حمایت از خود و توان بخشیدن به حبیبه‌اش وامیدارد. این جنبه اگر چه ممکن است در درون خود دارای اختلافاتی هم باشد. اما در برابر خطر بزرگ، یعنی حرکت انقلابی خلقها که منافع همه آنها را تهدید میکند، متحد و یکجا می‌گردد. در برابر این اتحاد نوم و نا- مقدس باید اتحاد مقدس و نیرومند خلقها را ایجاد کرد، زیرا ما در مبارزه ضد امیر- بالیسینی با یک دولت و یک کشور مقابله نداریم، مبارزه با امپریالیسم، مقابله با یک جنبه واحد جهانی است، که تنها با اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی بیروزی بدست خواهد آمد. باید از دولت و شورای انقلاب برسد در ایجاد این وحدت در داخل و خارج کشور که گامی برداشته‌اند؟ آیا تاکنون برنامه‌ای برای ایجاد چنین وحدتی از نیروهای مکتبی در داخل ارائه داده‌اند؟ و حرکتی و مکتبی به اتحاد نیروهای مبارز ضد امپریالیست نبوده‌اند؟ و آیا تنها در جهت تثبیت "قدرت" خویش، برآکندگی این نیروها را به فال نیک گرفته‌اند؟

در ایجاد اتحاد و وحدت با کشورهای و دولت‌های ضد امپریالیستی چگونه عمل کرده‌اند؟ آیا تاکنون دعوتی از دولت‌های ضد امپریالیست منطقه و اتحاد یک وحدت نظر و حبیبه واحد علیه امپریالیسم آمریکا،

نقشه از صفحه ۱

# شوراهای دهقانی، خار چشم مالکین و فتودالها

گزارشی از روستای محمد آباد کرگان

معتمدین برادران ترکمن نشین  
 ۱۰ - حتی نبودن توطئه های فتودالها  
 و عوامل آنها زیرا که فتودالها و عوامل آنها  
 میگویند از مسائلی چون طایفه بازی و  
 فاسلیت و عوام قریبی وحدت مردم را از  
 هم بیاند و با نیت و مارک زدن به اعضای  
 شورا و بخش شایعات عوامفریبانه دریاور و  
 ایمان و اتحاد مردم با شورای خود، تزلزل  
 ایجاد کرده و زمینه سرکوب شورا و دهقانان  
 را فراهم آورند تا بار دیگر بهره کشی و  
 استثمار زحمتکاران را بحکم بختند.



۱۱ - دو محصوله کردن حدود یکصد و پنجاه هکتار از زمینهای آباد ( پس از درو  
 کندم اختصاص به کشت برنج و لوبیاسا ) که  
 قبلاً سابق نداشته و تهیه حدود ۶۰۰ تن  
 بذر برنج جهت کشت و تعیین دهقانان  
 برنج کار با تشکیل شورای زیر ۱۷ سال و  
 شورای بالای ۱۷ سال به جوانان انقلابی  
 واگذار گردیده است.  
 شورای روستا اعتقاد بر این دارد که با  
 توجه باینکه همه ساله ۹۸٪ برنج مصرفی و  
 ۸۵٪ کندم مصرفی خود را از شهر تأمین  
 میکردند ( از نوع آمریکائیتی ) ولی امسال از  
 برکت انقلاب و جوش انقلابی مردم روستا  
 از حیث برنج خود کفا بوده و علاوه بر این  
 کندم و جو برای اولین بار در این روستا در  
 سطح چشمگیری تولید و صادر کننده خواهیم  
 بود.  
 با توجه به عملکردهای شورا و اهالی  
 روستا، فتودالها که زمینهای غصبی آنها با  
 نظارت و تأیید کنسی هیات پنج نفره حل  
 اختلافات ارضی مصادره گردیده، دست به  
 تحریک و توطئه میزنند و بطور مثال با  
 عوامل خود شایعه مگذار قابل ملاحظاتی از  
 سبب زمینهای یکی از اعضای شورای اسلامی  
 ده راز خاک درآورده و چون نتوانستند با  
 این حرکت ضد انقلابی خود درگیری ایجاد  
 کنند، لذا در روز جمعه ۲۵/۲/۵۹ حاجی  
 اکبر مازندرانی و سید کریم حسینی و  
 فرزندان و عوامل خود در این روستا و

## بیانیه جنبش مسلمانان مبارز بمناسبت روز جهانی کارگر

**جنبش کارگران ایران در عصر  
انقلاب اسلامی با استفاده از  
رهنمودهای مکتبی اسلام  
باید که نقش پیشتازی خود را  
در رهایی کامل خلق و برداشتن  
موانع راه استقرار جامعه  
بی طبقه تو حیدی بدست آورند**

بنام خدا  
 کارگران ایران دومین سالگرد روز کارگر  
 را در عصر انقلاب جشن میگردد - انقلابی  
 که در پیروزی مرحله ای آن زحمتکاران سهم  
 مؤثری بر عهده دارند. هیچکس در  
 تأثیر قاطع اعتراضات کارگری و بویژه  
 اعتصاب دلبران ننگران در شکست  
 مقاومت رژیم فاسد پهلوی تردید ندارد.  
 در بنگالی که از پیروزی سیاسی انقلاب  
 میگذرد، با توجه به جوهر مکتبی انقلاب،  
 انتظار صرف که دولت موقت و متصدیان  
 امر حکومت، با در هم شکستن سلطه سوم  
 ضد مردمی سرمایه داران وابسته، و صنایع  
 و تولیدات کشور، راه را برای آزادی طبقه  
 کارگر از بوع استثمار و بدست گرفتن اداره  
 امور کارگاهها، هموار سازد. انتظار صرف  
 صنایع مونتاز که در مالکیت سرمایه داران  
 دزد و غارتگر بود، بسرعت مصادره و ادراه  
 امور آن به شوراهای کارگری سپرده شود.  
 اما دولت موقت بدلیل ماهیت و خصلت  
 لیبرال سرمایه داری خود از تأمین اهداف  
 کارگران و ضربه زدن بر سلطه سرمایه داران  
 وابسته عاجز بود. اغلب صنایع در دست  
 مدیران و سرمایه داران ضد انقلابی باقی  
 مانده، و در نتیجه یکی پس از دیگری به  
 تعطیل و ورشکستگی کشانده شدند. زیرا  
 سرمایه داران غارتگر مزبور نفی در احیای  
 صنایع عصر انقلاب برای خود نمی دیدند  
 و وابستگی آنان به سرمایه داری جهانی  
 اجازه نمیداد تا منافع انقلاب و مردم را در  
 نظر بگیرند.

دولت از تسلط شوراها که نهادهای  
 انقلابی - اسلامی بود بر کارخانجات  
 جلوگیری کرد. اگر چه کارگران دلیر و  
 مبارز، در همه جا در جنبش تشکیل شوراها  
 بطور وسیعی شرکت جستند و علیر تم کار  
 شکنی ها و مخالفتهای مقامات دولتی در  
 بسیاری موارد موفق شدند شوراها را خود را  
 تشکیل داده اداره کارگاه را بدست گیرند.  
 حمایتی که دولت از سرمایه داران و  
 مدیران سابق میکرد، پیشرفت کار شوراها  
 را کند ساخت. بحران اقتصادی و کاهش  
 تولید هر روز شدیدتر شد و گرانی هزینه  
 زندگی، سنگینی طاق فرسای خود را بر  
 دوش مستضعفان جامعه تحمیل میکرد.  
 کارگران ما بهترین گواه بر این واقعیت  
 بوده و هستند که در هر کارخانه که شوراها  
 بطور جدی و واقعی اداره تولید را بدست  
 گرفتند، تولید نه فقط متوقف نگردد که  
 با وضعی بهتر از گذشته جریان پیدا کرد و  
 رشد نمود. بعکس کارخانجات زیر سطره  
 سرمایه داران عملاً باری شدند بر دوش  
 بیت المال.

کارگران آگاه ما در شرایط فعلی در برابر  
 مسئولیت های دشواری قرار گرفتند. از یک  
 طرف هنوز زنجیر اسارت سرمایه داری  
 وابسته بر دست و پای دارند، کارخانجات  
 آنان وابسته به منافع شرکت های خارجی و  
 امپریالیسم جهانی است. از سوی دیگر  
 برای تشکیل شوراهای واقعی با موانع سختی  
 روبرو هستند و بلاخره فشار سخت زندگی و  
 تورم و گرانی آنانرا به تنگ می آورد.  
 بطوریکه ترمیم دستمزدها و تأمین حقوق  
 صغی غالباً ساله درجه اول کارگران  
 میشود. در صورتیکه میدانیم حل ریشه ای  
 مسائل صغی و رفاهی کارگران کاملاً  
 وابسته به حل مساله وابستگی و مالکیت در  
 اداره کارگاه بستگی دارد.

ایدئولوژی انقلابی مستضعفین کشت.  
 با اوج گیری نهضت مردم مسلمان ایران  
 در دو سال گذشته، کارگران جهان جیت  
 نیز به مبارزات و اعتراضات خود شدت  
 بخشیدند و در تظاهرات و راه پیمائیه  
 شرکت نمودند و همبازی سایر خواهران و  
 برادران مبارز خود تا سقوط رژیم مغفور  
 پهلوی لحظه ای دست از مبارزه  
 برنداشتند.

## خون برادران کارگر، ستاره درخشان بر آسمان مبارزات توده های مستضعف

کارگران شیفت بعد از ظهر به کارگران  
 شیفت صبح، آنها تصمیم میگرفتند که برای  
 احقاق حق خود، دسته جمعی بطرف تهران  
 برای رفتن به وزارت کار حرکت کنند. در  
 مقابل کاروان سنگی کارگران با سه ردیف  
 زنجیری سرباز و ژاندارم مواجه میشوند و  
 جوب قصد ادامه راه پیمائی بسوی تهران  
 را میکنند، ابتدا با جوب مورد حمله قرار  
 میکنند و سپس شلیک هوائی آغاز میشود و  
 در نهایت ژاندارمها بفرماندهی سروان  
 منصوری خائن بسوی کارگران شلیک  
 میکنند. در این حادثه سه کارگر از جهان  
 جیت با ساسی: علی کارگر، حسن نیکوکار  
 و وحیده الله چشم فیروز و ۱۱ تن دیگر از  
 جمله یک راننده، شرکت واحد و اعضای  
 یک خانواده که در حال گذشتن از جاده  
 بودند شهید و تعداد زیادی زخمی می  
 شوند.  
 خون برادران کارگر شهید جهان جیت  
 بر اسفالت جاده لکه تنگی بر پیشانی رژیم  
 خبانت و ستاره درخشان بر آسمان  
 مبارزات توده های مستضعف خلق ما کشت و  
 یکبار دیگر نشان داد که برای نابودی  
 دشمن ستمگر می بایستی متشکل و مسلح به  
 پی از سه روز اعتصاب و بیوستن

رژیم سرمایه داری وابسته شاه خائن که  
 حیات خود را به استثمار و بهره کشی بیش  
 از بیش کارگران و توده های مستضعف می  
 دید، در هشتم اردیبهشت ۱۳۵۰ برای  
 حفظ و تداوم موقعیت ضد مردمی خود بار  
 دیگر ندای حق طلبانه کارگران کارخانه  
 جهان جیت را با کلوله های آمریکائی پاسخ  
 داد و برگی دیگر از جنایات خود در تاریخ  
 به یادگار گذاشت.  
 کارگران کارخانه جهان جیت که اکثر  
 از روستاهای بزد و مناطق ترک زبان  
 بودند، بعزت سیاستهای ضد خلقی و  
 استعاری رژیم طاغوتی، بعنوان اعتراض  
 به شرایط سخت و طاقت فرسای زندگی و  
 عدم کفایت دستمزد دریا رفتی در برآوردن  
 حداقل نیازهای ضروری انسانی، دست از  
 کار میکشند. محمد صادق فاتح بزدی  
 سرمایه دار زالو صفت و صاحب کارخانه  
 جهان جیت در پاسخ کارگران که خواستار  
 حقوق از دست رفته شان بودند، میگوید:  
 " کارگر باید گرسنه باشد تا کار کند،  
 یکریال بشما نمیدهم ولی حاضریم صدها  
 هزار تومان به مقامات بالا بدهم."  
 پس از سه روز اعتصاب و بیوستن

کارگران ما که از شعور و آگاهی سیاسی  
 برخوردارید، بحوسی تشخیص مدهند که با  
 وفی بولند ما از جنگ سرمایه داران و  
 وابستگی به استثمار آزاد نبود، ناوفی  
 کارگران خود سربوست بولند و اداره کارگاه  
 را بدست نگیرند. ناوفی صنایع خلق سر  
 صنایع معدودی سرمایه دار برنج داده  
 نبود و نا وفی شوراهای واقعی اسلامی در  
 همه کارگاهها شکل نگرفت، افزایش  
 دستمزد با کست انواع دیگر اسبابات مادی  
 و رفاهی باسری در بهبود وضع کارگران و  
 طبقات محروم ندارد زیرا اضافه درآمد  
 بلافاصله با افزایش سریع هزینه زندگی  
 جسی سگردد.  
 کارگران که طبقه استثمار شده جامعه  
 هستند، بدلیل پاک بودن از فساد و  
 آلودگی به استثمار در صف مقدم انقلابات  
 بوجدی جای میگیرند. و خداوند به  
 زحمتکنای سیاسی و مکتبی  
 دانش، براساس نفوی وارد میدان مبارزه  
 میشوند، وعده بیسواپی داده است.  
 صصی برین یاران انبیا و وفادارترین  
 مبارزان انقلاب آزادبخش بوجدی در همه  
 طول تاریخ، طبقات محروم و زحمتکن  
 بقدر در صفحه ۹

## بزرگداشت روز جهانی کارگرد ر فارس

در جهت بزرگداشت روز جهانی کارگر  
 کانون اسلامی شوراهای کارگری استان فارس  
 برنامهای در روز ۱۰ اردیبهشت در کارخانه  
 نساجی شیراز برگزار نمود، در این برنامه  
 که چندین هزار کارگر شرکت کرده بودند،  
 ابتدا پیام کانون اسلامی شوراهای کارگران  
 قرائت گردید که در این پیام بر ضرورت  
 تشکیل واحدهای مقاومت و بسیج توسط  
 شوراهای کارگری تأکید شده بود. سپس  
 گزارش کار بنگاله شوراهای کارگری استان  
 فارس توسط یکی از اعضای کانون ارائه  
 گردید. پس از ارائه گزارش پیام کانون  
 اسلامی شوراهای کارگران تهران توسط یکی  
 از کارگران عضو این کانون قرائت شد و در  
 انتها برادر دکتر حبیب اله بیمان سخترانی  
 خود را به مناسبت این روز آغاز نمود. در  
 این برنامه قطعه ای نیز خوانده شد که  
 بندهای آن چنین است:  
 ۱ - صن محکوم کردن توطئه تجاوز  
 نظامی امپریا آمریکا خواستار مبارزه قاطع  
 بفرهبری امام خمینی با شيطان بزرگ و  
 متحذران اروپائی و زاپی اش هستیم و چون  
 مبارزه با آمریکا را حدا از مبارزه با  
 بانگاههای داخلی است، سرمایه داران وابسته،  
 سازشکاران و فتودال ها نمی دانیم خواهان  
 خلع ید و افسای آنان می باشیم.  
 ۲ - چون وظیفه مکتبی انجام می کند  
 کارها هرچه بیشتر به دست مردم باشد،  
 نظام شورایی را برای تشکیل واحدهای  
 مقاومت و بسیج ضروری است و خواهان  
 اعلام موضع صریح مسئولین امور در فعال  
 آنها می باشیم تا منفعظ طلبان نتوانند از  
 مواضع مهم در جهت تضعف تشکیل  
 شوراها استفاده کنند.  
 ۳ - در جهت قطع هرگونه وابستگی و  
 کست استقلال واقعی خواهان لغو قرارداد های  
 استعاری هستیم و در جهت این قطع  
 وابستگی خلع ید از سرمایه داران وابسته را  
 ضروری می بینیم.  
 ۴ - ما خواهان شرکت دادن نمایندگان  
 منتخب کارگران در تمام ارگانهای تصمیم  
 گیری راجع به کارگران به خصوص در تنظیم  
 قانون جدید کار و لغو قوانین کارگری و رفع  
 تبعیض بین کارگران و کارمندان بدون  
 دخالت سرمایه داران و سازشکاران می باشیم.  
 ۵ - ما حقوق یک انقلاب فرهنگی را  
 ضروری می دانیم و برای افسالت بخشیدن به  
 شوراها، جلوگیری از دوگانگی قدرت در  
 تصمیم گیری و همچنین بالا بردن بیش  
 اسلامی کارگران خواهان تشکیل کتسه های  
 فرهنگی و هماهنگ کردن فعالیت انجمن های  
 اسلامی تحت نظارت شوراها می باشیم.  
 ۶ - ما پشتیبانی قاطع خود را از تمام  
 جنبشهای رهایی بخش مسلمانان و مظلومین  
 جهان بخصوص جنبش آزادیبخش فلسطین  
 اعلام می کنیم و صدور انقلاب اسلامی را  
 برای رهایی انسانها از سلطه ابرقدرتها  
 خصوصاً آمریکا و موج ستمگری و استثمار  
 ضروری دانسته و در این راه از هرگونه  
 گذشت و فداکاری دریغ نداریم.

مردم و ما

ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکا در ایران

سیر مواضع جناحهای حاکم در آمریکا از زمان ریاست جمهوری کارتر تا ۲۲ بهمن ۵۷ در برابر مسئله ایران

هوینزر در ایران

نیویورک - خبرگزاری فرانسه - "جس لیف" یکی از مقامات مسئول پیشین سیا که تاکنون می‌کند مدت ۵ سال در تهران کار کرده است...

درباره سایر جنبه‌های فعالیتهای سیا در ایران جنرال هوینزر اظهار می‌دارد که حتی عالی‌ترین مقامات ایران نیز از منابع اطلاعاتی "سیا" بوده و بی‌وزر است...

جس لیف بالاخره خاطرنشان می‌کند که وی در ۱۹۷۳ از عضویت در سیا استعفا کرد و دلیل کناره‌گیری خود را نیز می‌داند...

بنقل از خاطرات شاه مخلوع: در پایان ماه دسامبر (دی ماه ۵۷)، سناتور محمدعلی سعودی خبر سری زیر را از جانب آقای جورج لامبراکی معاون اول سفارت آمریکا بمن گزارش داد...

مسئله این مسافرت برای ارضای حس کنجگاری نبود. شرفیابی ما لازم و واجب بود. بدلیل اینکه من فرمانده نیروهای مسلح بودم و ایران عضو پیمان ستون بود...

می‌دهند. در تفسیر تاس در این زمینه یک مثال بارز است که می‌گوید: "واشنگتن برای زندگی سیاسی آینده ایران طرحی برای زندگی سیاسی آینده ایران است و آشکارا نحوه و نوع حکومت آینده ایران را مورد بحث قرار داده است..."

یک کارشناس سیاسی پیشینی کرد: "اکنون سؤال این نیست که آیا می‌رود یا نه، بلکه این است که چه موقع می‌رود، در واشنگتن انتظار می‌رود که شاه طی چند روز آینده ایران را ترک می‌کند..."

هدف شاه ظاهراً این است که مدتی در خارج از ایران بگذراند تا اوضاع به حال عادی بازگردد. و نظم در سراسر کشور برقرار شود. وزارت امور خارجه دیروز اعلام کرد که آماده است همکاری کاملی با حکومت بختیار بکند...

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه: هادینگ کارتر سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا تأکید کرد که ایالات متحده حاضر است به محض اینکه دولت جدید ایران تشکیل شد، بطور کامل از آن پشتیبانی کند...

گفت: "ژنرال هوینزر شاه را همچون موش مرده‌ای از ایران بیرون انداخت." (۱۱۲) \* منابع رسمی امروز اعلام داشتند: معاون فرماندهی نیروهای مسلح آمریکا در اروپا برای مذاکره با رهبران نظامی ایران و بحث درباره گرایش آنان به یک دولت غیرنظامی وارد تهران می‌شود...

اما این منابع گفتند مهمترین هدف از مسافرت ژنرال هوینزر مذاکره با نظامیان ایران و ارزیابی نحوه گرایش و تمایل آنان به دولت شاهپور بختیار است. ژنرال هوینزر سپس از عربستان سعودی نیز در اواخر هفته دیدار می‌کند و درباره رویدادهای ایران با رهبران نظامی این کشور گفتگو می‌کند...

رسمی آمریکا بر این عقیده‌اند که بحران ایران از مرزهای خاورمیانه فراتر رفته و به صورت عنصر ناراحت‌کننده‌ای در روابط آمریکا - شوروی درآمده است. این مقامها برآوردند که این رویدادها هنوز بر مسائل بنیادی در روابط ایروپرتورها نظیر مذاکره سالت، یا تشنج‌زدایی به مفهوم عمیق کلمه لطمه‌ای نزده است. اما بر تأکید مطبوعات شوروی نیست به درگیری آمریکا هشدار شود...

بقیه در صفحه ۹

هودینگ کارتر: ما با نمایندگان آیت الله خمینی رهبر مذهبی تبعیدی مخالفان ایران در داخل و خارج از کشور تماس گرفته‌ایم

گفته شد که "سیا" تماس داشته است. مقام مسئول سابق سیا تصریح می‌کند که خود او همیشه بخاطر لحن متفاوت گزارش‌هایی که به مافوق‌های خویش می‌داد مورد ملامت سیا قرار داشته است...

افغان - برادر خسرو معرفت نامه افشاگرانه شما رسید. اگر در امت چاپ نکردیم. علتش مناسب نبودن موقع بود. زیرا سئواله این شخص در سراسر مسایل بسیار اساسی و حیاتی که الان ذهن مردم را مشغول داشته است کمی فرعی بنظر رسید. ولی در هر موقعیت که ضروری شد از اقسای ماهیت اینگونه اشخاص خودداری نخواهیم کرد...

تبریز - برادر صد. م امید مابه جوانان صادق و آگاهی چون نست که با ایمان به اصول و نه صرفاً از روی احساسات حاضرند در راه پیروزی عقیده خود مبارزه و قداکاری کند ماروش بقیه در صفحه ۱۱

برادر کاظمی - کرمانشاه ماهیت و عملکرد افراد و شخصیت‌ها را باید از سوابق و تجربیات سیاسی و مکتبی آنها شناخت تصور میکنم بهترین پاسخ به این به اصطلاح افشاگرانه‌هایی که فقط از عقیده ارواح بلند و دل‌های سیاه محسوس سازگاری و مرتجع ساخته است...

اردبیل: برادر عزیز عارف - الف برسیده‌اید با اینکه امام خمینی بارها تأکید نموده‌اند که گروه گروه نشوند. شما چرا "جنبش مسلمانان مبارز" را بوجود آوردید؟

برادر عزیز وقتی امام می‌گویند، گروه گروه نشوید، متذکر این نکته هستند که گروه‌گرایی و گروه‌سازی صرفاً بخاطر داشتن گروه و ایجاد تشمت و تفرقه و اختلاف محکوم است و ما هم با این نظر امام صدرصد موافقم. بسیاری از گروه‌ها و گروهک‌هایی که بعد از انقلاب بوجود آمدند، در این مسیر حرکت نمودند...

قزوین: برادر عزیز علیرضا - الف در مورد ایدئولوژی سازمان مورد نظر شما، "جنبش مسلمانان مبارز" مسائلی دارد که در بحث‌های ایدئولوژیک آینده مطرح خواهد شد. اما بهتر است جریان‌ها و عناصری که جنایات انقضا بدست گرفته و می‌نزنند با ارائه نقطه‌نظری ایدئولوژیک غیرالتقاطی، از مرحله شعار و تهمت و افترا، فراتر رفته و شیوه‌ای اسلامی برای انتقاد از نقطه‌نظری ایدئولوژیک ارائه شده عرضه کنند...

اصفهان: همايونشهر - برادر ام‌الله، ب برادر عزیز، همچنانکه بارها در امت شماره شده است، انقلاب را به لحاظ ماهیت حرکت نوده‌های مردم و انگیزه‌های آنان اسلامی می‌دانم. اما بعقل حاکمیت لیبرالها و مرتجعین خط حرکتی بعد از ۲۲ بهمن هرگز منطبق بر موازین و معیارهای اسلامی نبوده‌است، تضاد میان خط فکری سیاسی توده‌هایی که با فریاد اللاکمیر به جنگ طاغوتیان رفته و خط فکری - سیاسی سازشکاری که قدرت را قبضه کردند تنها با تداوم انقلاب اسلامی حل‌شدنی است...

اصفهان - برادر خسرو معرفت نام افشاگرانه شما رسید. اگر در امت چاپ نکردیم. علتش مناسب نبودن موقع بود. زیرا سئواله این شخص در سراسر مسایل بسیار اساسی و حیاتی که الان ذهن مردم را مشغول داشته است کمی فرعی بنظر رسید. ولی در هر موقعیت که ضروری شد از اقسای ماهیت اینگونه اشخاص خودداری نخواهیم کرد...

تبریز - برادر صد. م امید مابه جوانان صادق و آگاهی چون نست که با ایمان به اصول و نه صرفاً از روی احساسات حاضرند در راه پیروزی عقیده خود مبارزه و قداکاری کند ماروش بقیه در صفحه ۱۱

کهنکلیوه برادر حبیب الله - د جای تحب نیست اگر در سایه حکومت عناصر مرتجع و سازشکار خائون و مالکان مجدداً برحان و مال مردم مسلط شوند و مورد حمایت قرار گیرند و وابستگان به رژیم گذشته بستم‌و‌مقام بدست آورند...

اگر مردم به حقوق خود آشنا به اصول مکتب آگاه باشند هرگز اجازه تسلط به این سنگران نمی‌دهند. تهران - م - غیرتمند

در مورد مواضع سازمانها و گروهها، جنبش مسلمانان مبارز اعتقادهایی داشته است که در شماره‌های گذشته است ننکس می‌باشد. گذشته از این شما می‌توانید مواضعی را که گروهها و سازمانها در قبال مسائل مختلف اتخاذ نموده‌اند در نظر گرفته و قضاوت نمائید. ایدئولوژی جنبش مسلمانان مبارز، بنسبت و تفکر نویندی است و با مابریالسم هیچگونه سنخیت ندارد. لنگرود: کومله - اس. ر

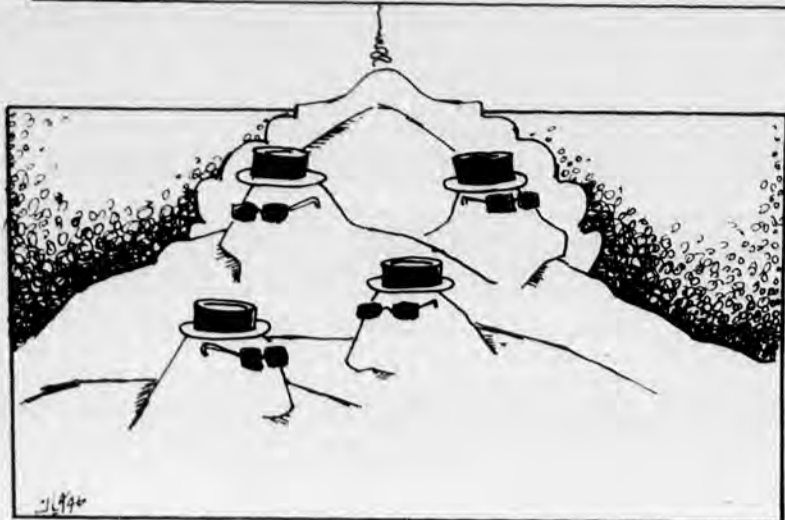
برادر عزیز ۱ - فعالیت مکتبی - سیاسی بگفته شما "دست‌اندرکاران جنبش مسلمانان مبارز" نمی‌توانند در انحصار تهران و یا هر شهر دیگر باشد. تلاشی خواهیم کرد در آینده به مسائل شهرستانها در رابطه با "جنبش مسلمانان مبارز" اهمیت بیشتری قائل شویم. چرا که نیاز به کار مکتبی - سیاسی بدلائل شرایط خاص اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی در شهرستانها بیشتر احساس می‌شود...

۲ - هم‌چنانکه در شماره‌های قبلی امت گفته شده است، از نظر "جنبش مسلمانان مبارز" هر جریان فکری - سیاسی و هر نیرویی که در بی تثبیت و حفظ و نگهداری و پاسداری از وضع موجود بوده و با هرگونه حرکت تکاملی و تحولی در جهت تغییر بنیادی انسان و جامعه و تاریخ مخالفت ورزد، مرتجع است و در این میان در شرایط کنونی ایران به علت ماهیت لیبرالهای سازشکار که مستقیم و غیرمستقیم چه به لحاظ پیشین و چه به لحاظ وابستگی در خط تنگناک با آمریکا حرکت می‌نمایند، صف مقدم جبهه ارتجاع را تشکیل می‌دهند...

۳ - لیبرالها چه به لحاظ وابستگی‌های طبقاتی که به سرمایه‌داران وابسته و دارند و چه به لحاظ مکتبی نبودن، در نهایت عملاً در دام امپریالیسم خواهند بود. شاهپور بختیار را در نظر آورید که سالیان دراز در جبهه ملی از سخنگویان و سردمداران شمار می‌رفت و در یک برهه تاریخی خطری و حساس ماهیت نهایی" وابسته خود را نشان داد و یا در نام افشا شدگان جاسوسخانه آمریکا توجه کنید، خواهید دید که نمایندگان طبقاتی مختلف لیبرال‌های سازشکار در میان افشاشدگان پنجم می‌خورند. هم چنین

کنج سرمایه دار، حاصل دسترنج کارگران است





کار بود، و ارس هم سقوط کرده و تسلیم شده بود، دانشا خطر برخورد خوین و سخت مرفعی، ایشان می گفتند: ما با چند نفر از همین آقایان و سرکردگان لیبیرال و غیرلیبرال بیرون می آیدم و صدای براندازی بلند شد و فوراً هر جا شایع شد که به مدرسه رفاه حمله می کنند، تا امام را از بین ببرند. من دیدم که این دو نفر (ایشان تعریف می کرد) با به فرار گذاشته و یکی از آنها عمامه اش بر زمین افتاد و برکت عمامه اش را بردارد گفت: کجا می روی؟ گفت: تیراندازی است وضع خطرناک، گفت: امام را چه می کنی؟ امام آن کار تنهاست، لافاقل عمامهات را بردار برو، می گفت: رفتند و من تنهایی به آن جا برگشتم، خوب! سؤال این است که شما که همان موقع این ماهیت و میزان درجه عشق و علاقه به امام را دیدی چگونه به دفاع همان روز قد علم نکردی و صف خود را از صف خمینی نهاده جدا نکردی، چه بکار نکردن معیارهای مکتبی، سبب می شد در کنار موضع گیری های ارتجاعی گهگاه به دفاع از سرمایه داری و مالکیت های غیرمستوع برخیزند، گرجه تضاد بین آنان کم و بیش به چشم می خورد و همیشه مرتجعین را تأیید نمی کردند، اما ایشان می دادند که انتظار می رفت، کمتر تکان می دادند و بالاخره همان طور که گفته شد، از اعتماد بوده ها به خود برای سازماندهی آنان در خط اصلی انقلاب و ارتقاء آگاهی مکتبی آنان استفاده نکردند و بعکس به دلایلی که باید بحث شود، تحت رهبری و سازماندهی لیبیرالها و مرتجعینی که در قالب و فرم و شعار طرفداری از خمینی انقلاب کار می کردند، عملاً در پای علمی سینه زدند که نمی بایست می زدند، اما ما امروز شاهد بی اعتمادی شدن لیبیرالسم و ارتجاع وابسته و متکی به آن هستیم، حوادثی که در این مدت رخ داد و افشاکریهایی که در این مدت انجام شد، مردم را بیدار کرده و می کند. بقیه جریانات را هم باید ارزیابی کنیم، سازمانها و احزاب انقلابی مذهبی و غیرمذهبی و روشنگران باصطلاح غیر - مذهبی یا دموکرات، ولی آنرا به جلسه دیگر موکول می کنیم، فقط روی این نکته

می شود، با نیروهای انقلابی کاملاً همراه نشوند و لیبیرالها را ترجیح دهند - در این ترحیح و انتخاب نگاه نکردند که به کدام جهت می روند. سوم اینکه تلاش نکردند، شعارهای انقلاب و رهنمودهای امام را در جامعه تحمیل عینی دهند و اگر کردند، بسیار کم و سازمان یافته و خارج از ضرورت های جامعه و بنگانه با درک پیچیدگی های اجتماعی به این پرداختند. در این رابطه می توان از مسائلی چون مبارزه با سرمایه داری، فئودالیسم و جهت گیری به نفع مستضعفان و علیه مستکبرین و سرکوبی و ضدانقلاب و سرمایه داران و جاسوسها و محاکمه و مجازات آنان نام برد... همچنین به تشریح عینی مسائل انقلاب و شعارهای که انقلاب طرح کرده بود نظیر آزادی، استقلال و حکومت اسلامی نپرداختند در حالی که، به عهده آنها بود و وظیفه داشتند که بطور صحیح و سازمان یافته در این فرصت طلایی و تاریخی که دشمن تضعیف شده و کنار رفته نیروهای سیاسی جامعه در اختیار آنها و توده های مردم حامی آنها به انجام این وظایف بپردازند و مسافانه کاری نکردند و در این رابطه مسئولیت بزرگی به گردن آنهاست، اگر لیبیرالها فرصت خوبی را از انقلاب گرفتند و تا مرزهای خیانت به انقلاب ضربه زدند، بر اساس بینش خود عمل کردند، آنها هماهنگی بین بینش و عمل خود را به اثبات رساندند و از دیدگاه خود صداقت هم داشتند. اما روحانیون مسئول و معتمد می بایست مسئولیت خود را بعد از سرنگونی رژیم در این دوره حساس و سرنوشت سازو تعیین کننده صریح و آشکارا به عهده می گرفتند و از حمایت عظیم توده های که بهره مند بودند، در مبارزه رسته ای علیه امپریالیسم سود می جستند، مسافانه کار مہمی انجام ندادند، اوایل که روحیه انقلابی بر غالب نهادها حاکم بود خیلی کارهای ناممکن، امکان پذیر بود. اما هماهنگی روحانیون مترقی با مرتجعین و لیبیرالها موجب شد که عملاً در خط انحرافی قرار گیرند و با ساده اندیشی و برخورد سطحی که با مسائل در فروشاندن شور انقلابی و طرح شعارهای انحرافی سپیم شوند، هر کس روحانی بود با خمینی نمای

جست؟ روحانیون مترقی در تمام سالهای قبل از سرنگونی شاه، نقش خود را در حمایت از خط امام خمینی و مبارزه با رژیم آگاهی دادن به توده و اقشای حقایق و تسخیر مردم انجام دادند، زندان، شکنجه و تبعید را بخوبی تحمل کردند. تا نیر کار آنها در ارتقاء آگاهی و هشجاری و بسیج خلق و تقویت روح مقاومت در مردم هرگز قابل انکار نیست. اما چه شد که آن نفس بستیرو و فعال و تعیین کننده را در طول ۱۲ ماهه گذشته از دست دادند؟ چند ایراد اساسی بر این دسته وارد است و تا زمانیکه این ایرادها را برطرف نکنند، نمی توانند نقش اجتماعی خود را که از مکتبی و مسئولیت های انسانی و مذهبی شان بر می خیزد، مجدداً ایفا کنند. اول اینکه روحانیون مبارز و مترقی مرزهای بین خود و سایر روحانیون و با جریانات دیگر روحانی را تعیین نکردند. مرز شان عملاً با دیگران مخلوط شده است، بطوریکه مرتجعین و لیبیرالها از این مخلوط شدن مرزها سود جستند زیرا می خواستند نقاب طرفداری از انقلاب و خمینی را بصورت رزند. و این وظیفه روحانیون مبارز مترقی بود که اجازه ندهند جریانات غیراصیل وارد صف آنها شوند و در کنار آنها بنشینند و در یک صف با یک نام و عنوان شناخته شوند و همه به عنوان روحانی و پیرو امام خمینی و انقلاب اسلامی معرفی گردند. این وضعیت سبب شد که جامعه قضاوتی را که از عمل روحانیون مرتجع یا لیبیرال بدست آورده بود به بقیه هم تسری دهد و اگر بعضی از اینها شخصیت بارزی نداشتند همانند بقیه محکوم می شدند. البته امام خمینی با موضع گیریها و نقش ممتاز خودشان جدا و مستقل از این جریانات حرکت کردند... ولی بقیه روحانیون مبارز علیرغم قلت عددی می توانستند نقش موثری بر عهده بگیرند - می دانیم که کمیت مطرح نیست، چنانکه قبلاً هم بحث شد لزومی ندارد که تعداد روحانیون مبارز زیاد باشد. اتفاقاً همیشه تعدادشان اندک بود ولی همین اندک اگر قفشان را جدا و ممتاز از بقیه می کردند، می توانستند توده را از دنباله - روی کورگورانه و قالبی از روحانیون

غیراصیل و خمینی نماها باز دارند. ولی متأسفانه این کار را نکردند، امید است که این تاخیر را با سرعت بیشتری که به کارشان می دهند جبران کنند. دومین اشتباه نحوه برخوردشان با نیروهای انقلابی و جوان بود. اولاً بی اعتنائی و بی تفاوتی نشان دادند و ارزیابی درست جریانات اجتماعی عاجز ماندند. تحلیل درستی از نیروهای انقلاب نداشته و خود را بی نیاز از کمک نیروهای انقلابی برای تدوین و تنظیم چنان تحلیل احساس کردند و چون برخورد و تماس نزدیکشان را با این نیروها قطع کردند، با خیلی کاهش دادند و با توجه به اینکه تحلیل درستی هم از نیروهای پیشرواصیل مکتبی و انقلابی نداشتند، خواناخواه بجای پیوند با آنها با جریانات لیبیرالی و ارتجاعی بیشتر شد و بکلی از همکاری و همراهی فکری و عملی نیروهای اصیل مکتبی محروم شدند. در این جا با مشکل دیگری نیز مواجه بودند و آن ضعف سازماندهی و قدرت رهبری اجتماعی بود. از این رو یا

مردمی و ارتجاع خواهد توانست پایگاه بودهای خود را حفظ کند. هر یک از شما تجربه کرده اید که حتی در سطح محله و شهرتان هر وقت درگیری بین راه حق و راه باطل بوده، اگر یک روحانی با همه نفوذش در مقابل مردم می ایستاده است به راحتی رهانش می کردند. تجربیات تا همین اواخر هم این حقیقت را نشان می دهد. کافی است مردم مصالح خود را در جریان یک درگیری تشخیص دهند. چنانکه گفته شد خطر اصلی از ناحیه لیبیرالها بوده و می باشد. و تا امروز همکاریهای نزدیک و موثری بین لیبیرالهای روحانی و غیر روحانی برقرار بوده و منحصراً رهبری جریان ضدانقلابی را که در مقابل امام و مردم قرار گرفت، آنان برعهده داشتند. این جاست که می بینیم جنبش مسلمانان مبارز از همان آغاز حرکت توده ای این جریان را تشخیص داد و معرفی کرد و خطر آنرا گوشزد نمود. که در بنیادهای جنبش بکرات این جریان تجزیه و تحلیل شد. جنبش حقوق بود که آمریکا در پوشش سیاست حقوق بشری می خواهد به کمک لیبیرالهای مذهبی و غیرمذهبی یک جریان مستقل از حرکت توده و امام بوجود

مخالفت با جریانهای انقلابی بخصوص در انقلاب اخیر ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا و خط اصلی انقلابی این طور تبلیغ و تلقین شده که رهبری جریانات ضدانقلابی و هماهنگ با امپریالیسم، یا ارتجاع روحانی با روحانیون مرتجع بوده است (باز هم تاکید کنم مرتجع معنای مصطلح) این قضاوت اشتباه است. به این دلیل که ماهیت جریانات روحانی را درست نشناختیم و با برخورد با لباس و شکل و عملکرد واقعی به آنها مارک ارتجاع زدیم. و تفاوتی مابین جریان لیبیرالی و ارتجاعی قائل نشده ایم. اعتقاد بر این است که عکس قضاوتی که اکنون عمومت پیدا کرده است، در راس جریان ضد - انقلابی و ضد مبارزه امپریالیستی در ۱۵ سال اخیر بجای مرتجعین روحانی، لیبیرالهای روحانی قرار داشتند. کافست که به جای کلبی گویی دقیقاً مصداق روحانی مرتجع را از این آقایان که جنبش برخورد می کنند، ببرسد. می گوید ارتجاع، بپرسید مرتجع کیست؟ و چه کسی منظور است؟ کدام سازمان، باند، و گروه و جریان، چرا که چون اگر غیر این باشد

**هراندازه نادروید این نظام شکل می گیرد و نارهانش تنیده می شود و انسجام پیدای کند قدرت عمل فرهنگ و نیروهای انقلابی مکتبی کاهش پیدا خواهد کرد**

آورد لذا همان موقع هشدار داد و جریان را فاش کرد. لازم است که به یک نکته جالب اشاره کنیم و آن وجه مشترکی است که بین لیبیرالهای مذهبی ایران و لیبیرالهای آمریکایی وجود دارد. البته قبلاً بین لیبیرالهای مذهبی و غیر مذهبی تفاوتی قائل شدیم که در یکی از سرفاله های امت، مورد بحث قرار گرفت، آندو تفاوت موضع گیری داشتند، در آن سرفاله اشاره شد که لیبیرالهای ملی به دلیل تجربه ضد - استعماری در زمان دکتر مصدق و پایگاه بورژوازی ملی که از قبل داشتند، شناخت و حاصلت ضد استعماری بیشتری در مقایسه با لیبیرالهای مذهبی دارند. این را در جریان برخورد با انقلاب ایران نیز شاهد بودیم. لیبیرالهای ملی خیلی بهتر برخورد می کردند و زودتر توانستند با انقلاب به نفاهم نسبی برسند. سختی مشترکی که بین لیبیرالهای مذهبی ایران و لیبیرالهای آمریکا است، عیناً در مذهبی بودنشان است. لیبیرالیسم آمریکا هم اتفاقاً مذهبی است. جناح لیبیرالیسم بطور عمده در حزب دموکرات است و شما شنیده اید که دموکراتها سخت پای بند مذهبند، کاتولیکند و مقدس مآب و همه جا از انسانیت دم می زنند و مورد حمایت کلیسا هم هستند. سیاسی مذهبی کارتر را قبل از انتخابات و بعد از آن یادتان هست، رمزی کلارک مورد بحث که با آقایان هم ملاقات کرد و بسیاری دیگر. همین ها که با لیبیرالها ملاقات می کردند، معتقد به وحدت اسلام و مسیحیت بودند و این خیلی جالب است. بهمین جهت آقایان می گفتند خوب چه اشکالی دارد، اینها انسانند طرفدار حقوق بشرند، خداپرستند. سلما را لامذهبها خیلی بهترند. آثار خطرناک این برخورد شکلی (فرمالیستی) جدا از محتوا را می دانید، چنانکه یادتان ترفته است که بعضی از مذهبی ها چه روحانی و چه غیرروحانی که گرفتار این نحوه تفکر بودند، وقتی نزاع فلسطین و اسرائیل مطرح بود، بدلیل سختی محتوایی مشترکی که با اسرائیل و ضدیتی که با فلسطینی ها داشتند، به این عذر و دلیل که فلسطینی ها... سنی هستند متوسل شده و می گفتند آن یهودیها به این سنی ها صدمه شرف دارند. این اشخاص با آن یهودی صهیونیست بیشتر از این فلسطینی مسلمان نزدیکتر بودند. اینجا هم همینطور است. برای آقایان آمریکایی لیبیرالی مذهبی بیشتر قابل قبول است تا مسلمانان انقلابی ایرانی

کلبی گویی است و مردم و جوانان خواهند پذیرفت. عملکرد ارتجاع در جامعه مشخص است و وقتی سؤال کنید مجبورند انگشت بگذارند. وقتی در این ۱۵ سال بخوایم محور تجمع و رهبری جریانات ضدانقلابی و مخالف امام را ببینیم، سرانجام می رسم بجایی که راس و محور آن یک روحانی لیبیرال است. و همین روحانی لیبیرال طیف گسترده ای از مرتجعین را گرد خود جمع کرده است و اگر روحانی لیبیرال نبود، چنین تجمعی از مرتجعین برای مقاومت در برابر انقلاب وجود نمی آمد. چون تجربه نشان می دهد (مصداقهایش را خودتان پیدا کنید) مرتجعین آنچنان شناخت و تبحر سیاسی ندارند، قدرت سازماندهی ندارند و حتی آن بلند پروازی را ندارند که وارد این مفرکها شوند. آنان غالباً فقط از موقعیت خودشان دفاع می کنند، و قدرت رهبری کردن ندارند. در این مدت نشان داده شده است که هر جا جریانی در برابر خط انقلاب بوجود آمده، تجمع و تشکلی ایجاد شده است. محور توطنها و گوشه های سازمان یافته لیبیرالها بوده اند. دلیل دیگر که تشخیص ما را تأیید کند، همکاری و هماهنگی روحانیون مزبور با لیبیرالهای غیرروحانی است. هر دو جریان که برای شما مجهول نیستند و در این ۱۵ سال بنوبت و با همراه هم در خط مقابل خط امام خمینی حرکت کردند. غالباً در کنار و در رابطه نزدیک با هم و حتی همکاری تشکلاتی با هم داشتند. بنابراین وقتی ما می خواهیم مشخص کنیم که خطر اصلی کجاست در برخورد با عناصر روحانی می بینیم این عناصر لیبیرال روحانی هستند که پایه و محور سازماندهی جریانات ضدانقلابی و تجمع و تشکل مرتجعین می باشند. مرتجعین تکلیفشان روشن است، البته نه اینکه ارتجاع به دلیل نفوذ وسیعی که از پیش داشته است، دست کم بگیریم، نه. اما دقت کنید، پایگاه توده ای ارتجاع لرزان است و ارتجاع امکان استفاده از این پایگاه توده ای را بدون کمک و حمایت لیبیرالها ندارد. و در برابر یک جریان اصیل مکتبی به آسانی این پایگاه را از دست می دهد چنانچه وقتی امام خمینی در صحنه سیاسی ظهور کردند، نفوذ ارتجاع میان توده به طرف صفر کاهش پیدا کرد. بنابراین، این پایگاه نه یک پایگاهی است که محکم و ثابت بماند، بلکه مرتجعین در یک برخورد مکتبی و ضمن مبارزه سیاسی آنرا بسطت از دست می دهند. قبلاً اشاره شد که در مبارزه مردم با رژیم های مستعمر، استبدادی و استعماری هر روحانی که در کنار مردم باشد، پایگاه توده ای را حفظ می کند و اگر بر ضد مردم باشد از دست می دهد. بنابراین ارتجاع در درگیریها و اینلانات اجتماعی، تاریخی چون موضع گیری ضد مذهبی می کند، پایگاهش را از دست می دهد. اما لیبیرالها (که البته مرتجع اند) ضمناً در کنار مردم و در پوشش مبارزه برای آنها قرار می دهند و عامل انحراف می شوند و حتی مرتجعین را هم زیر چتر حمایت خود می گیرند. بلی اگر مبارزه و درگیری نباشد، نیروهای ضد -

**اگر مسئولیتها یمان را آنگونه که باید درک نکنیم و به میان توده ها نرویم و در خط اصلی که می شناسیم یک تشکل اصولی و یک حرکت سازمان یافته توده ای بوجود نیاوریم نباید انتظار داشته باشیم که رهبری جنبش بدست نیروهای مکتبی باشد**

کرد، پذیرفتند و مسئولیت دادند. لذا نتوانستند انحراف را تشخیص دهند. با لیبیرالها برخورد مکتبی نکردند و معیارهای مکتبی را به میدان نیاوردند. و درباره عملکرد دولت و شورای انقلاب از خود سؤال نکردند که آیا تصمیم گیریهای این ارگانها مکتبی است و با شعارهای انقلاب هماهنگی دارد یا نه. بعکس برخورد شکلی و عاطفی نمودند و گفته اند، اینها هم در مبارزه بوده اند و دوستان ما هستند. روحانی هستند و ما از ایشان بدی ندیده ایم. این برخورد سطحی و عاطفی مانع شد که تقاویم عظیم استرانیکی و مکتبی را بین خط امام و خط لیبیرالها در دولت و شورا و دیگر جاها احساس کنند. حال که اسنادی بیرون می آید برخی دچار شکستی می شوند که عجب! مسائل یکدسته است که ما خبر نداریم. بلی از ابتدا نیز این جریانات وجود داشتند و شما بسیار خوش باور بودید و قدرت درک آنرا نداشتید. یکی از این آقایان تعریف میکرد که در همان ایام که امام در مدرسه رفاه بودند اوائل ورودشان که هنوز بختیار راس

همه حسن نیت و مبارزه جویی و تقوایی که داشتند به دلیل نداشتن تجربه اجتماعی و مبارزاتی و نداشتن تحلیل درست از مسائل سیاسی، قادر به سازماندهی و رهبری تشکلاتی مبارزه نبوده و این ضعف را هم خوب احساس می کردند. صحیح این بود که این ضعف با پیوند و همکاری نزدیک با نیروهای مکتبی - اسلامی جبران می شد. اما به جای این کار ضعف خود را در پناه بردن به عناصر لیبیرالی که قدرت سازماندهی و تفکر و تجزیه و تحلیل داشتند جبران کردند. بنظر می رسد بعضی از این آقایان به این دلیل زیر چتر عناصر لیبیرال قرار گرفتند که در امر سازماندهی و رهبری اجتماعی و تجزیه و تحلیل مسائل احساس ضعف می کردند. و برای غلبه بر این ضعف به لیبیرالها پناه می بردند و چون آنان قدرت رهبری و سازماندهی داشتند. البته تحلیل ریشه های طبقاتی این همراهی و نزدیکی بماند برای بعد - همین اندازه بدانیم که - همبستگی آنان با خرده سرمایه داری و سرمایه داری ملی و مخالفتشان با محو کامل مناسبات سرمایه داری سبب

لیبرال مذهبی که رهبری تمام جریانهای ضد خمینی و خمینی نمای را برعهده داشتند و دارند از لحاظ بینش طرفدار پیشرفت، مترقی و دموکراسی و توسعه صنعتی هستند. یعنی همه آن خصیلتها و بینشهای لیبیرالی را دارا هستند، اغلب اروپا رفته و فرنگ رفته و آشنا به فرهنگ سرمایه داری غرب می باشند و بنابراین آن نوع افکار و سنت ارتجاعی که شما دنبالش می گردید، تا حدود زیادی فاقدند. اکنون روحانیون مترقی را ببینیم که در طول یکسال گذشته کجا بودند و عملکردشان چه بوده و اشکال کارشان در

**نابود باد امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن، لیبیرالیسم و ارتجاع**





# استقلال زیمبابوه، نقطه عطفی در مبارزات مردم آفریقا



بار دیگر تاریخ مبارزات خلفهای دریند امپریالیسم و رژیمهای نژاد پرست نابت نمود که هرگاه توده های محروم و استعمار شده خود را با اقدام کرده وارد صحنه مبارزه و انهم مبارزه ای قهر آمیز با دشمن بریت گردند و با اتحاد و ایمان به نبرد ادامه دهد خواهند توانست استقلال آزادی همه جانبه خود را علیه رژیم غارتگر امپریالیست ها و سازشکاران بدست آورده نیروهای غیرانقلابی و سازشکار را از صحنه خارج کنند و و روشهای مبارزه سیاسی سلامت آمیز و کلاسیک را در عمل محکوم به شکست گردانند.

داشتند. در مدت ۵ سال گذشته ساپورا مائل بدون تردید نزدیکترین فرد به مبارزان زیمبابوی بوده است. زیرا با نگاه تعلیماتی جریک های زیمبابوی در خاک وی قرار داشته و دسته های جریکی از خاک موزامبیک حملات خود را بر علیه رژیم نژاد پرست بان اسبیت انجام میدادند. حکومت ساپورامائل در آن سالها سختی ها و قربانیان زیادی را از زمان بعد از استقلال کشورش تحمل کردید. در مدت نامی این سالها موزامبیک بدل به اردوگاههای وسیع نظامی گشته، مورد حملات بسیاری از سوی نیروهای رودزیا و رژیم آفریقای جنوبی واقع شد که منجر به کشته شدن تعداد بسیاری از مردم موزامبیک گردید.

اجام یافته بین استعمارگران و استعمار - شدگان در نهایت نیک سارن نخواهد انجامد؟ با این همه دادن امتیازاتی از سوی موکاب و کومو نمیواند بدنیایی برای آنها باشد. چه موافقت نامه لانگانس (انگلستان) این امکان را بوجود آورد که قدمهای بزرگی در راه آزادی کامل زیمبابوی برداشته شود.

رئیس جمهور موزامبیک که خود زمانی جریک بود، در مدت سالیهای طولانی توانست رهبری مبارزات خلق موزامبیک را قبل از رسیدن به ریاست جمهوری در ۲۵ ژوئن ۱۹۷۵ رهبری کند. قبل از برپوری جنگجویان وی مسئولیت آموزش و مسلح کردن جریکهای زیمبابوی را بعهده

"نه تنها یک انقلاب در زیمبابوی غیرقابل احتساب است، بلکه انجام آن ضروری و حیاتیست". انقلابی که در جریان است "یک انقلاب مسلحانه بوده ای" است که باید "تغییر بنیادی و اساسی در سبده زندگی در سطح جامعه ایجاد کند". در اسانامیه هم چنین آمده است که: "سوسا - لیسیم بهترین سبده زندگی بوده و این سیستم باید زندگی خلق زیمبابوی را تنظیم نماید".

بعدها دو سازمان دیگر به اتحادیه خلق آفریقای ملحق میشوند، اتحادیه ملی آفریقای زیمبابوی و جبهه برای آزادی زیمبابوی.

سازمان خلق زیمبابوی پس از ۱۴ سال مبارزه مسلحانه بر علیه اقلیت سفید پوست انگلیسی که دهها سال به استعمار و حیاول منابع سرشار زمینی مردم مشغول بود، توانست حاکمیت و استقلال خود را در تعیین سربوت ساسی - اقتصادی - فرهنگی و... بدست آورد. زیمبابوی پنجمین کشور آفریقا گشت که توانسته است آزادی خویش را از راه مبارزه مسلحانه بر علیه استعمار انگلیس بدست آورد.

در شب تاریک استعمار که هنوز میلیونها انسان آفریقای مورد بهره کسبی استعمار قرون وسطایی قرار گرفته، به استعاف کشیده شدادند، استقلال زیمبابوی میتواند دارای ابعاد و اهمیت ویژه تاریخی برای قاره آفریقا و بخصوص آفریقای جنوبی باشد. زیرا ملت زیمبابوی به توفیق خود نشان داد که نبرد مسلحانه و قهر انقلابی تنها راه برای آزادی خلفهای دریند سم و زور استعمار، نثو - کسالیسم و امپریالیسم که هرگونه راهی بروی آزادی ملت ها سدود کرده است - باشد. شهیدان و قهرمانان جنگهای زیمبابوی در عمل انقلابی خود ثابت نمودند که نه سختی ها، نه قربانی ها، نه زور و کشتار، نه شکنجه و نه بنابودی کشاندن همه چیز و همه کس توسط مهاجمان و دیکتاتورها و همکاران آنها توانست آزاده آنان را در ادامه مبارزات رهایی بخش شان را حتی اگر سالهای طولانی دیگر ادامه می یافت، درهم شکند. بالاخره ملت زیمبابوی آنچه را که دیگر ملل در نبرد خود ویا جریبهای انقلابی باثبات رسانیده بودند، باز دیگر ثابت نمود که: عینیت بخشدن به اهداف واقعی ملی و انترناسیونالیستی در اتحاد جنبش ها و نیروهای رهایی بخش اصل و جنگ مسلحانه میباشد.

آنها بیست برای رسیدن به هدف های شان طی کنند از قبل مشخص و برنامه ریزی شده بود، و آن نبرد مسلحانه دراز مدت تا رسیدن به استقلال و آزادی کشورشان بود. حکومت نژاد پرستان رودزیا و آفریقای جنوبی که توسط اعضای پیمان نظامی ناتو بنیانگذاری و پشتیبانی میشد، گویندند تا با توطئه های گوناگون از قبیل کشتار، سو، قصد، شکنجه، تحریک احساس رقابت بین گروههای مختلف مبارز و دامن زدن به کشتن آنها، تضادهای داخلی نهضت آزادی - بخش را رشد داده، جنبش را فلج و از عمل و کارائی ساقط کنند. نازمنه سازش و همکاری با رژیم نژاد پرست را فراهم آید.

انتخاب مبارزه مسلحانه از سوی مردم قهرمان زیمبابوی و شرکت در جنگهای چهارده ساله بر علیه سلطه استعمار و نژاد پرستان سالیسوری، رهبری کومو و رابرت موکابه طرحهای خائنهانه ای پیدا کردن راه حلی در چهارچوب قانون اساسی انگلستان و پایان بخشیدن به جنگ بدست آوردن قدرت سیاسی از سوی موزرووا و سیستول، که در واقع از طرف بان اسبیت نژاد پرست پیشنهاد گشته بود، خنثی کردند. موکابه و کومو با شرکت در جبهه وحدت سیاسی که توسط کشورهای عضو جبهه وحدت بطور وسیع مورد حمایت بود شرکت کردند. این کشورها عبارت بودند از: موزامبیک، تانزانیا، آنگولا، زامبیا و بوتسوانا. نتیجه این وحدت (علیرغم اختلاف و تضادهای درونی) علاوه بر ایجاد روابط بین رهبران اصلی این کشورها، موجب گردید قدرت های غربی و رژیم سالیسوری را مجبور سازد تن به فداکاری سیاسی بدهند. از نظر راهبردی این قرارداد شامل بندهائی میباشد که میبایند روزی توسط امپریالیسم برای یک حمله نظامی به زیمبابوی مورد استفاده قرار گیرد.

از نظر راهبردی این قرارداد شامل بندهائی میباشد که میبایند روزی توسط امپریالیسم برای یک حمله نظامی به زیمبابوی مورد استفاده قرار گیرد.

سازمانهای جریکی زیمبابوی یا دولت انگلیس نه کامل بود و نه بی نقص. این قرارداد شامل بندهائی میباشد که میبایند روزی توسط امپریالیسم برای یک حمله نظامی به آن کشور مورد استفاده قرار گیرد. وی میگوید: "آیا تمام مذاکرات

اکنون جهان شاهد استقلال یکی دیگر از مستعمرات قاره آفریقا و آزاد شدن آن از بوغ رژیم نژادپرست وابسته به امپریالیسم می باشد. در این عصر که خلفهای زیرسلطه در صحنه نبرد حق و باطل حضور یافته و خود خارج از چهارچوب های کلاسیک مبارزاتی به میدان مبارزه آمده، تا حقوق لگدمال شده توسط جهانخواران را بازی سازند، ضروری دیدیم نگاهی کوتاه به تاریخ مبارزات خلق استعمار شده زیمبابوی و چگونگی بدست آوردن حق حاکمیت و آزادی توده های آن سامان بیاوریم.

بعد از شکست استعمار بریغال و خائستنی امپریالیسم انگلیس بجای آن، انگلیسیها طبق نقشه و طرحهای از پیش تدوین شده، منظور نامعادل ساختن اقتصاد این کشور، آغاز به غارت هر چه بیشتر نیروهای کشاورزی و معادن سرشار آن کردند تا قدرت اقتصادی زیمبابوی را تضعیف و آنرا به خود وابسته سازند.

نام رودزیا که از استعمارگر انگلیسی "سیسل رودز" گرفته شده بود، در واقع برای اکثریت آفریقای ها مفهومی نداشت: برای آنکه مردم زیمبابوی نشان دهند که قوانین استعمارگران سفیدپوست برای آنها فاقد ارزش و معناست، همچنان سعی در حفظ قوانین و سنن خویش می کردند و کشور خود را با نام زیمبابوی می خواندند. زیمبابوی در اصل نام رودخانه ایست که نام خاک کشور را طی می کند و به معنی "برانه" می باشد. این نام آثار امپراطوری موبومبا را نداعی می کند (این امپراطوری توسط بریتانیا که "سنته" غارت و کج بودند، منهدم گشت).

سویهای نظامی که از انگلستان و دیگر کشورهای "سفیدپوست" به زیمبابوی اعزام گشته بودند، مأمورین مستقیم استعمار بودند. کشاورزان آفریقای بوسیده این سونیها از زمین ها شکه طی چندین نسل خود شخم زده و اداره کرده بودند، رانده شده و بهماچار مجبور به زندگی در خشک ترین و بی حاصل ترین مناطق کشور شدند. اکثر این کشاورزان بعلت نامساعد بودن زمین ها برای کشت، مجبور شدند زراعت را رها کرده به مزارع و کارخانه های جدید که از سوی سرمایه داران غربی ایجاد گشته بود، پناه ببرند. بدین صورت و تحت لوای "برتری سفیدپوستان" قسمت جدیدی از استعمار کاپیتالیستی که شدیداً وابسته به امپریالیسم انگلستان بود، بنا نهاده شد.

## آغاز یک مقاومت درازمدت

به مجرد تسلط و یورش بریتانیا در ۱۸۹۰ خلق زیمبابوی مقاومت دلاورانه ای خود را بر علیه استعمار "سفیدپوستان" آغاز کرد. در این مبارزه محمل قربانیان و شهدای زیادی شدند، چنانکه گاه قبیله ای بطور وحشیانه ای مورد یورش و قتل عام قرار می گرفت. در سالیهای قبل از استقلال تجاری که خلق زیمبابوی در جریان مبارزه طولانی اش بدست آورده است، با امکان می دهد تا با تمامی قدرت سیاسی - نظامی خود بر علیه استعمارگران به مبارزه بپردازد. در سال ۱۹۶۰ حزب دمکرات ملی توسط مبارز وحدت طلب یعنی جوشوا - نکومو پایه ریزی گشت. بدلیل تبلیغ و گسترش اصول سیاسی این حزب در میان مردم و خواستار شدن آنها برای یک حکومت ملی که تحت حاکمیت، اکثریت سیاه پوست باشد، اعضای این حزب تحت پیگرد قرار گرفتند. زامبیک رژیم نژاد پرست و فاشیست بان اسبیت متوجه آن شد که حربه اختناق و سرکوب مردم توسط نیروهای پلیسی و نظامی اش موثر واقع نگردد، انگلیسیها خود را مجبور به پذیرش درخواست حزب دمکرات ملی مبتنی بر تشکیل یک کنفرانس دیدند.

جنبش ملی زیمبابوی نخست از طریق راهلهای سیاسی قصد داشت حکومتی بوجود آورد که اکثریت آن با سیاهان باشد. از این رو مدت ها به این شیوه ادامه داده، از دول خارجی برای فشار وارد آوردن به رژیم سالیسوری تقاضای کمک کردند. جنبش از طرف شورای امنیت و رودزیا محاصره اقتصادی گشت. در این زمان توده های مردم هنوز آمادگی رودرویی مستقیم با رژیم نژاد پرست رودزیا را کامل نداشتند، سعی می کردند حقوق خود را از راههای سیاسی و مذاکره بدست آورند. در این میان پایه های اساسی مبارزه توسط حزب اتحادیه خلق آفریقای زیمبابوی بنیان نهاده شد. در اسانامیه حزب آمده است: "اختلافیکه در میان خلق زیمبابوی وجود دارد، ناشی از دو پدیده استعمار کاپیتالیستی و نژادپرستی که اساس حکومت رودزیا است می باشد".

اتحادیه خلق آفریقای زیمبابوی در جمع بندی خود به این نتیجه می رسد که

باید جنبش مسلمانان مبارز بقیه از صفحه ۴

جامعه بود تا بدو بعکس نروتمندان و صاحبان زر و زور بزرگترین خصم انبیا و نهضتهای الهی بوده و هستند. مقامات دولتی بعد از انقلاب که راه مآضات با سرمایه داران را پیش گرفتند و از تشکیل شوراهای مخالفت بعمل آوردند، با اینکار به دشمن فرصت دادند تا صنایع ما را به تعطیل بکشاند. مخالفت آنان با شوراهای کارگری به دلیل ماهیت آنهاست. که از توده هامیترسند و زهر حرکت و تغییر انقلابی هراس دارند. در روزهای سخت انقلاب توده های محروم و از جمله کارگران که زیر تاثیر رهبری امام خمینی اعتماد بنفس پیدا کرده بودند، تصمیم گرفتند تا با تشکیل شوراهای اسلامی، پایگاه اقتصادی امپریالیسم را از جنگ وی خارج سازند. اما مترجمین و لبرالها نگذاشتند، اعتماد و انگاشی که در طول انقلاب امام به توده ها کرده بودند، در بسج و رشد آگاهی و آزاد شدن از فرهنگ استعفا تا شد اساسی داشت. ولی دولتمردان هرگز نخواستند و نتوانستند که بر این پایه حرکت کنند. در نتیجه مبارزه کارگران در دوره انقلاب بعد سیاسی پیدا کرده بود. بعد از انقلاب بسوی هدفهای رفاهی منحرف گردید کارگران با بخوبی میدانستند که بهبود زندگی مادی آنان منوط به نفی استعمار و سلطه سرمایه داران است و این هدف بدون مبارزه ضد امپریالیستی به نتیجه نمیرسد. در حقیقت هدفهای رفاهی کارگران مانند سایر افشار خلق یا هدفهای سیاسی - یعنی مبارزه ضد سرمایه داری وابسته و ضد - امپریالیستی پیوند خواهد داشت.

جنبش کارگران ایران در عصر انقلاب اسلامی با استفاده از رهنمودهای مکتبی اسلام باید که نقش بیستازی خود را در رهایی کامل خلق و برداشتن موانع راه استقرار جامعه بی طبقه بوحیدی بدست آورند.

نابود باد امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن برنوان یاد باروان کارگران و زحمتکشان در تداوم انقلاب اسلامی ایران

جنبش مسلمانان مبارز ۹/ اردیبهشت ۵۹/

## ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکادرایران

بقیه از صفحه ۵

کونی ایران سخن گفته است. در همین مذاکرات کالاهان نخست وزیر انگلیس از حمایت سرسخانه رئیس جمهوری آمریکا از شاه ایران تعجب کرده است.

رهبران اروپایی در این مذاکرات، فاجعه سقوط بازار ایران وهمچنین قطع طولانی صدور نفت ایران به غرب را تشریح کرده و تذکر داده اند که کشورهای غربی نباید رابطه خود را با آینده ایران قطع کنند و در برابر تحولات کونی ایران باید روشی در پیش گیرند که بر اساس آن در آینده بتوانند با رژیم جدید ایران رابطه جسته و همکاریهای اقتصادی داشته باشند.

## سلب آزادی قاعی!؟

چه کسانی از بردن آگاهی بهسان مردم می هراسند!

به مناسبت اولین سالگرد انتشار هفتمنامه امت، نمایشگاهی از طرح، نسریات، آرسبو و برندهای امت، توسط دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز در روز یکشنبه ۵۹/۲/۷ در محل میدان خراسان دایر و از همان ساعات اولیه مورد قرار شدید مردم و بخصوص دانش آموزان قرار می گیرد، اما چند ساعتی از برپائی آن (۱۲/۵) الی (۷ صبح) نمی گذرد که مأمورین و عوامل کتی ۱۵ به محل نمایشگاه آمده و به علت واهی اینکه "نمایشگاه سد معبر است" خواستار برچیدن آن می شوند. که با مخالفت همهجانبه مردم و دانش آموزان روبرو می شوند. اما چون دانشجویان هوادار، در این موقعیت حساس هرگونه درگیری در جبهه داخلی را به سود امپریالیسم و دشمنان انقلاب می دانند، از مقاومت بیشتر خودداری کرده، خود نمایشگاه را تعطیل می کنند.

ما از مسئولین آمر خواهان آنیم که در مقابل اینکه خونریز کردها که می رود تا جلوی هرگونه آزادی که یکی از بریها ترین دستاوردهای انقلاب خوینس خلق قهرمانان بوده است، عکس العمل قاطع نشان داده و تصمیمات عملی لازم را بگیرند.

نمود گفت که امیدوار است بحران سیاسی ایران هرچه زودتر پایان یابد تا صدور نفت به غرب از سر گرفته شود. او گفت که مخالف درگیری نظامی آمریکا در ایران است و اضافه کرد: "صلحت دنیای غرب در این است که شاه در راه حکومت ایران باقی بماند تا نیت سیاسی این کشور را که برای غرب دارای اهمیت حیاتی است حفظ کند.

جراالد فورد پیش بینی کرد که در صورت به قدرت رسیدن مخالفان رژیم در ایران مهلهک عظیمی در این کشور پیش خواهد آمد. او گفت در صورتی که هواپیمای و سلاحهای آمریکایی در ایران بدست مخالفان افتد، وضع بسیار خطرناکی پیش خواهد آمد. رئیس جمهوری پیشین آمریکا گفت: "اگر آمریکا ایران را از دست بدهد، امنیت غرب شدیداً بخطر خواهد افتاد.

بیکار دیگر کارتر که بیس سولیوان (سفری در تهران که قبلا لائوس را از دست داده و هوادار شاه می باشد) و جورج بال (منحصر مسائل ایران در واشنگتن و دشمن شاه) و باردیکر از شاه دشمن تعبیر نظر داده و باردیکر از شاه پشتیبانی می کند و... (۱۱۷)

به نوشته روزنامه "ژورنال رودمانش" چاپ پاریس در این مذاکرات (کوادلوب) اوضاع ایران موضوع اصلی بحثها بوده و کارتر همچنان از نای رژیم کونی ایران حمایت کرده است.

روزنامه فرانس سوار طی تفسیری اظهار نظر کرده که در پایان، کارتر تا اندازهای به نقطه نظری کشورهای اروپایی بخصوص فرانسه نزدیک شده است. وی ابتدا از شاه حمایت کرده است و از سران آلمان و فرانسه و انگلیس درخواست مساعدت مشابهی رداشته است. ناظران آگاه اظهار نظر کردند فرانسه بلافاصله در این زمینه عکس العمل نشان داد و کارتر با مخالفت دو رهبر دیگری اروپایی نیز روبرو شد.

فرانس سوار اضافه کرده مذاکرات رهبران درباره سرنوشت رژیم ایران در انای شام نیز ادامه یافته و کارتر، هر چند نه با شدت آغاز مذاکرات، از انقای رژیم

قران عامل گمراهی وسقوط وانحراف مردم راپیروی نشان از شناختها وبرداشتهاى ذهنى غير واقعى ميداند، آنان بجای قبول حق بر عقاید باطل وذهنى خود باقى مى مانند.

هدف از بررسی ...

پس شناخت حقیقی از راه تفقد در پدیده‌ها و روابط درونی و ساخت و عملکرد آنها حاصل می‌شود. "نظر کیف صرف الایات لعلمهم یفقهون" انعام/۶۵ نگاه کن چگونه پدیده‌ها را می‌گردانیم ، شاید ایشان دریابند. " ... قد فصلنا الایات لقوم یفقهون " انعام/۹۸ همانا پدیده‌ها را تفصیل دادیم برای مردمی که تفقد می‌کنند.

قرآن می‌گوید: "لقد کان فی قصصهم عبره لا ولی الا للاباب" يوسف/۱۱۱: بتحقیق که در داستانهای ایشان برای صاحبان خرد عبرت وجود دارد. عبرت از تاریخ جز با شناخت قوانین آن و پیروی از سنت‌های حاکم بر آن میسر است؟

تفکر هم در ردیف تفقد آمده است "گدگک بین اللہ لکم الایات لعلکم تتفکرون" بقره/۲۱۹: بدینسان خدا پدیده‌ها را بیان می‌کند. شاید تفکر کنید. "گدگک تفصل الایات لقوم یتفکرون" بدینسان پدیده‌ها را تفصیل دادیم برای مردمی که تفکر می‌کنند." (۱)

عبرت گرفتن در یک معنا تصحیح رفتار است. تغییر روش و عمل است. در این تصحیح و تغییر روش معیاری را راهنما و ملاک قرار باید داد؟ قطعاً این معیار از مطالعه عمیق پدیده‌ها بدست می‌آیند. که در اصل همان قوانین و سنت‌ها هستند. پس از آنکه انسان با مطالعه عمیق قوانین و سنت‌های جاری بر یک پدیده را شناخت ، آنرا ملاک و معیار عمل قرار می‌دهد و بکمک آن رفتار و عمل قلبی خود را تصحیح و یا تغییر می‌دهد. این معنای عبرت گرفتن از مطالعه پدیده است.

استفاده عملی از یک شناخت صحیح و واقعی چیست؟ جز آنکه این نوع شناخت ، روابط و قوانینی بدست می‌دهد که به کمک آن انسان می‌تواند رفتار صحیحی پیش گیرد و آینده خود را در جهت درستی تنظیم کند ، می‌تواند تغییراتی مطلوب و منطبق با آن قانونندپها در خود و در محیط پدید آورد ، اگر در بطن پدیده‌ای روابطی و نظمی برحق وجود نمی‌داشت ، اگر بر حرکت و تحول آنان قانونندی حاکم نبود ، شناخت و بررسی عمیق آنها چه فایده‌ای برای شخص می‌توانست در بر داشته باشد.

البته قرآن به موانع یک شناخت عمیق و تفکر صحیح هم اشاره می‌کند. این موانع همان خصلتهایی هستند که چشم را از دیدن عمیق ، گوش را از شنیدن حقایق ، قلب را از درک درست باز می‌دارد. علائق و وابستگیهایی هستند که ذهن را از تفکر آزاد مانع می‌شوند ، نمی‌گذارند شاهین تیزپرواز اندیشه به آزادی بال بگشاید و در اعماق آسمانها فرو رود و حقایق را از دل پدیده‌ها بیرون کشد. آن علائق و زنجیری بر دست و پای اندیشه هستند و لذا بازدارنده حرکت آزاد و حجابی بر روی چشم و دل محسوب می‌شوند. این موانع علائق و وابستگیها را نظیر عشق به مال و ثروت ، مقام و قدرت ، شهوت و شهرت می‌باشند "و منهم من یتسمع الیک و جعلنا علی قلوبهم اکنه ان یفقهوه و فی اذانهم و قرا" وان یروا کلا آیه لایؤمنوا بها" انعام/۲۵: و از ایشان کسی که بتو گوش می‌دهد ، پرده‌ای بر قلبهاشان قرار دادیم تا تفقد نتوانند و در گوشهاشان سنگینی. و اگر پدیده و آیتی ببینند ، بدان ایمان نیارند.

امپریالیسم

بقیه از صفحه ۸

داخل و نه از خارج ما را تهدید می‌کنند. خطری از درون دستگاهها و از جانب عناصری که متاسفانه به گار و پستهای حساس گمارده شدند. این خطر نباید بهیچوجه دستکم گرفت ، نباید وقت را از دست داد. دشمن اکنون می‌داند که دستش رو شده است. رد پایهای بدست آمده و لذا زخمی و بیدار است و درصدد آنکه تا دیر نشده و همه رشته‌هایش پنبه ، دست به اقداماتی بزند. اکنون ضرورت ضربات قاطع بر پایگاهها و شبکه‌های داخلی دشمن در داخل موسسات و خارج آن قویا" بیچشم می‌خورد. ولی دستگاههای اجرائی توان وارد کردن نیرو ضربه‌ها را ندارند. لذا پیشنهاد قاطع ما اینستکه اول مراکز حساس تصمیم‌گیری و اجرائی را از وجود عناصر لیبرال و مرتجع پاک کنید.

کسانی که وجودشان به صدانقلاب فرصت حیات و رشد داده است ، این مسئولیت بر عهده افراد آگاه و دلسوزی است که هنوز در این دستگاهها هستند و ساده‌اندیشی داشته ، باید قاطعیت لازم را برای این عمل گسب کنند. قدم دوم - جلب همکاری همه عناصر و نیروهای صادقی است که به انقلاب وفادار و پایبند مکتبند. قدم سوم - یک ضربه قاطع بر تمام شبکه‌های دشمن در دستگاههای حساس و پاکسازی مجدد. قدم چهارم - همزمان با آن تشکیل واحدهای بسیج و مقاومت برای انجام انقلاب اجتماعی و فرهنگی در همه شئون مملکت و ایجاد سد دفاعی در برابر هجوم نظامی - اقتصادی امپریالیسم.

بنا براین لازمه شناخت حقایق آزاد بودن اندیشه و ادراک شخص از هر نوع وابستگی و علاقه است که چون پرده‌ای مانع از دیدن واقعیتها بهممان گونه که هستند بشود.

اما عبرت معنای عمیق‌تری هم دارد و آن از عبور کردن است - در مفهوم عبرت حرکت نهفته است. حرکت مسیر می‌خواهد - عبرت گرفتن انتخاب راه و مسیر حرکت در بطن پدیده‌هاست. عبور کردن در مسیر قوانین و سنت‌هاست. قوانین و سنت‌هایی که خداوند پدیده‌ها و جهان خلقت و از جمله انسان را بر اساس آنها خلق کرده ، رشد داده و در حال ضرورت قرار داده است. عبرت گرفتن تنها به معنای درک کردن و فهمیدن نیست که قرآن اصطلاحات خاص خود را در این باره دارد.

عبرت پیروی از نتایج تفقد و جستجو است. تبعیت کردن از حقایق مکشوفه است ، راه رفتن در مسیر قانونمندپهای هستی است - مسلماً عبرت یا تصحیح مشی و رفتار همراه است - شخص پیش از آگاه شدن بر قوانین و مسیر درست حرکت ، در اشتباه در بیراهه راه می‌رفته است ، حال با مطلع شدن از حقیقت حال و مسیر و مشی درست ، به خود می‌آید و به تصحیح روش می‌پردازد - این تصحیح همراه است با حرکت کردن و قرار گرفتن در مسیر درست و عبور از جاده مستقیم سنت‌های برحق الهی. در فرهنگ قرآن عبرت را ، عبور از

حالتی به حالت دیگر و نیز دریافت معرفت غیر محسوس از شناخت و معرفت محسوس معنا کرده‌اند. عبرت گرفتن تغییر روش زندگی است ، از روال غلط و باطل ، به روال حق ، ترک تبعیت از ساخته‌های ذهن و دنبال کردن شناخت حقیقی است.

قرآن باتوجه دادن مردم به آیات و نشانه‌ها و مظاهر وجود ، سعی میکند آنها را با سنن و نوامیس حاکم بر آنها آشنا سازد. "بیریداللہ لیبین لکم و یهدیکم سنن اللذین من قبلکم ... " خدا می‌خواهد (حقایق را) برای شما آشکار و بیان کند و به سنت‌های (حاکم) برکسانی که پیش از شما زیستند آشنایان سازد ، قرآن می‌خواهد مردم در زندگی فردی و اجتماعی و در برابر حوادثی که روی میدهد و مسئولیتهایی که بر دوش دارند بجای تبعیت از معیارهای ذهنی و غیر واقعی که از هووی و هوسهای شخصی شان برخاسته و یا منبعث از تمایلات و منافع دیگران است ، و در هر صورت با واقعیتها بیگانه بوده ، جنبه ذهنی دارند ، از طریق مطالعه و آشنایی با نوامیس سنتی ، به شناخت حقیقی نایل شوند و از سنتهای برحق پیروی کنند ، زیرا قرآن عامل گمراهی و سقوط وانحراف مردم را پیروی شان از شناختها و برداشتهای ذهنی غیر واقعی میداند ، آنان بجای قبول حق بر عقاید باطل و ذهنی خود باقی میانند. " ... یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیه ... " آل عمران/۱۵۴ - به جای تصور درست اندیشه غلط از نوع تصورات جاهلی بودند. بل ظننم ان لن ینقلب الرسول والمؤمنون الی اهلیم ایدا " وزین ذلک فی قلوبکم وظننم ظن السوء وکنتم قوما یورا فتح/۱۲

لازمه شناخت حقایق، آزاد بودن اندیشه و ادراک شخص از هر نوع وابستگی و علاقه است که چون پرده‌ای مانع از دیدن واقعیتها بهممان گونه که هستند، نشوند.

لکن پنداشتن که پیامبر و مؤمنان هرگز بسوی گمان خود بازنگردند و این (اندیشه غلط) قلب‌های شما را بیاراست و گمان بدی بر دید و مردمی شکست خورده و تباه شدید. تفاوت اساسی بین دو جنبه حق و باطل در تفکرات و شناخت آنانست ، جنبه باطل بر اساس پندارهای ذهنی خود عمل میکند. و آنها را حقیقی می‌پندارد و بهمین دلیل سقوط و شکست و اضمحلال وی قطعی است زیرا حرکت و عمل وی خارج از مسیر سنت‌های الهی در جهان است آنان نمی‌دانند که همه امور جهان یکسره محکوم و تابع اراده خدا و سنت‌های وی است ، لذا پنداره میروند "الا ان الله من فی السموات و من فی الارض و ما بین الذین یدعون من دون الله شرکا" ان یتبعون الا الظن و ران هم الا یخرون یونس/۶۶ - همانا (بدانید) هر که در آسمانها وزمین است از آن خداست و کسانی که چیز خدا شریکان را میخوانند ، (از حق) پیروی نکنند ، آنان جز پندار را تبعیت نمی‌کنند ، آنان جز مردمی پندارگرا نیستند. کسانی که این قوانین و نوامیس و نشانه‌ها را در جهان و در تاریخ نه ببینند ویا اگر به آنها گفته شد تکذیب و انکار کنند ، در تاریکی جهل باقی میمانند. "و الذین کذبوا باياتنا ، صم ، یکم فی الظلمات انعام/۳۹ - کسانی که نشانه‌های ما را انکار کنند ، گر ، لال در جهالت و تاریکی هستند.

هدف خداوند از ارجاع مردم به مطالعه تاریخ آشنا ساختن آنها با نوامیس و قوانین حرکت و تحول جامعه است ، "اقلم یسروا فی الارض فینظر وا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم دمر اللہ علیهم وللکافرون امثالهم محمد/۱۵ - آیا ستوران در زمین گردش نمیکنند (به مطالعه تاریخ نمی پردازند) پس ببینند سرانجام مردم پیش از آنان چه بود؟ خداوند آنها را سرنگون ساخت و از برای کافران نظیر (آن سرنوشت) است.

راهنمایی شدند که چه تعداد از سلسله‌های پیش از ایشان را نابود ساختیم در حالیکه در مساکن خود (باقرانی باط) راه می‌افتند ، در این (حوادث) نشانه‌هایی است آیا (خدای زنگهای تاریخ را) نمی شنوند ، یا بعضی مردم می‌پندارند که این قوانین خاص یک زمان و یک مرحله بود و برای ادوار دیگر تاریخ اعتبار ندارند ، یا تصور میکنند ، تاریخ یک جریان بی‌پایه و مستمر و تابع یک قانون یا قوانین واحد نیست ، بلکه تاریخ از حوادث جزئی و پراکنده و مستقل تشکیل شده و هر رویداد ، عملکرد و قانون مخصوص به خود دارد و لذا امکان تکرار ندارد و عبرت گرفتن از تاریخ صرفاً جنبه اندرزگویی اخلاقی و ذهنی دارد نه آشنا شدن با حقایق زندگی و نوامیس حرکت تاریخ و در نتیجه عبور کردن در مسیر آن را ، قرآن جواب این اشخاص را میدهد و تصورات غلط و پندارگونه شان را تصحیح میکند ، در زمان پیامبر ستمگران و کافران هم به این دلایل پناه میبردند که هر داستان که از تاریخ میگوئی یا سرنوشت قومی را شرح میدهی همه مربوط به گذشته است ، آنچه بر آنها رفت مربوط به خودشان بود ، بما ربطی ندارد ، ما آزاد از احکام تاریخ و سنت‌های الهی هستیم یا آن سنت‌ها اکنون بی اثر است ، مرده است. مربوط به همان حوادث میباشند. "سنه اللہ فی الذین خلوا من قبل ولن تجد سنه اللہ تبدیلا" احزاب/۶۲ سنت الهی است درباره کسانی که قبلاً گذشتند و هرگز در سنت‌های تبدیلی نیایی . مردمی که منکر وجود این قوانین شده خود را مستقل و برتر یا آزاد از تاثیر آنها می - پندارند"

درانهدام اسناد

سازد؟ از طرفی ، چرا واحد رزمی هوانیروزها کمک تیم مهندسی ضد تخریب و تکسین های پروازی ، در زیر پوشش‌های هوایی ، در منطقه فرود نیامند و ملخ‌های هلی‌کوپترها را باز ننمودند؟!

ع- بفرنی که آمریکائیان موفق به ربودن و فرار هلی‌کوپترهای خود میشوند ، در آن صورت "ما" چه چیزی را از دست میدادیم که اکنون با نابودی هلی‌کوپترها (هر یک به ارزش ۳۵ میلیون دلار) ، بدست آورده‌ایم؟ و آیا در صورت فرار هلی‌کوپترها ، قدرت آتش هواپیماهای نیروی هوایی ، قادر به کنترل فرود آوردن چند فروند هلی‌کوپتر نمیباشد؟؟ ۷- اگر ما برای اثبات تجاوز نظامی آمریکا به خاک کشورمان ، مد رکی لازم میداشتم ، چه مستندتری از وجود هلی‌کوپترهای (سالم) آمریکایی در خاک ایران بود؟ بنابراین ، از نابودی هلی‌کوپترها ، چه نتیجه‌ای ، جز از دست دادن ۱۴۰ میلیون دلار و نابودی اسناد رسوا کننده عمال داخلی و ستون پنجم آمریکا ، بدست آوردیم؟؟؟؟

پاسخ این سوال ، و جواب کل این معمارا، یک افسر عالی مقام آمریکایی ، از طریق خبرگزاری آسوشیت پرسی ، بایک پیام مطبوعاتی ، در روز بعد از بمباران هلی‌کوپترها ، داده است.

یک افسر عالی مقام آمریکایی دیروز. . . . اظهار امیدواری کرد که با بمبارانی که نیروی هوایی ایران علیه هلی‌کوپترها صورت داده ، دیگر اسراری وجود ندارد که به چنگ کسی بیفتد. حال باید دانست که این اظهار امیدواری آن افسر عالی مقام آمریکایی ، برای چه کسانی بوده است؟



درود بر رهبرانقلاب ، امام خمینی

"استگارا" فی الارض و مکالمسی و لایحیی المکر السی الا باهل قبل ینظرون الا سنت الاولین فلن تجد لسنن اللد تبدیلا ولن تجد لسنن اللد تجویلا" - فاطر/۴۳ برتری حستن در زمین وحید های سو- ولی این حیلده های پلید جز علیده عاملاش بگار رود ، آیا جز سنتهای پیشینیان را انتظار دارند ؟ هرگز در سنت‌های الهی تبدیلی نیایی ، هرگز در سنتهای الهی تجویلی نیایی . قبلاً " گفتیم که قرآن برای اثبات برحق بودن نظام جهان اینکه نابودی نظام شرک و ستمگری بر طبق سنتهای تاریخی امری قطعی است و مؤمنان بیاری حق و با تبعیت از قوانین خدائی در تاریخ مسلماً " به پیروزی میرسند ، تنها به مطالعه رویدادهای تاریخ بسنده نمیکنند ، بلکه برای اثبات عمومیت حکومت قوانین بر همه جهان خلقت مردم را بمطالعه پدیده های طبیعی چگونگی تکوین حیات و تحولات آن نیز ارجاع میدهد . "اولم یروا کیف یدئی اللد الخلق ثم یعیده ان ذلک علی اللد یسر قل یسروا فی الارض فانظرو کیف یدالخلق ثم اللد ینشی السناه الاخره ان اللد علی کل شیء قدیر" عنکبوت/۱۹ و ۲۰ آیا نمی بینید که خداوند چگونه خلقت را آغاز میکند و سپس آنها را بر میگرداند؟ زمین گار برای خدا آسان است. یگو در زمین گردش کنید پس بنگرید که چگونه خلقت آغاز شد ، سپس خدا آفرینش دیگری را خلق میکند ، همانا خداوند بر هر کاری تواناست .

بیانیه هواداران جنبش مسلمانان مبارز در اهواز بمناسبت سالروز انتشار نشریه امت

بنام خدا شناخت درست و بزرگبهای انقلاب و تشخیص واقع بسانه" نقاط ضعف و قوت آن جهت موضعی اصولی و صحیح در برابر پدیده‌های که هر روز در میدان عمل اجتماعی ظاهر میشوند ، به منطقه عمل بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی جلی ، رسالت نیروهای انقلابی و مکتبی است . بدنبال حاکمیت لیبرالها و عدم اجرای خواستههای انقلابی توده‌های قهرمان در مورد تحقق نظام شورایی و نابودی سرمایه داری وابسته و . . . الزاما" یا"س

بر اساس دوضرورت فوق (انقلاب فرهنگی و شناخت امپریالیسم بعنوان عمده ترین دشمن خلق) جنبش مسلمانان مبارز بعنوان یک وظیفه مکتبی دست به انشار نشریه" امت زد . از بدینوسیله بناواند در آموزش سیاسی - مکتبی توده ها قدم مثبتی بردارد . و تبلور نیازها و خواستههای اساسی مردم باشد .

امت با افشای عناصر سازشکار و مرتجع توانست نقش مهمی در آگاهی خلق در جهت مبارزه ضد امپریالیستی داشته باشد . مباحث ایدئولوژیک ، خیلی از نکات مهم در جهت فهم اسلام اصیل و انقلابی را از میان برداشته و جوانان مسلمان را در جهت فهم تشیع علوی یاری کرده است . در پایان امید آن داریم که امت در سال آینده بناواند در انجام رسالت راستین خویش همچنان کوشا بوده و بتواند اصول کلی مکتب را در میان توده‌ها برده و بدین ترتیب رسالت مکتبی خود را در جهت آگاهی توده‌ها انجام دهد .

هرچه فروزانتر با دشمنان آگاهی خلق پیش بسوی تشکیل سیاسی - مکتبی توده‌ها جهت تشکیل امت واحد اسلامی

# مردم و ما

نقشه از صفحه ۵

سناسی گروه‌های که با جابج روی آب به سبب ارتجاع می‌ریزند نایب نمی‌کنم. بعضی‌ها فقط در بی‌کسب قدرت و رشد خوش می‌باشند. در حالی که معتمد باید در اندیشه رشد حق و تحقق مکتب بود و در هر صورت لزوم خویش و گروه خود را فدای راه حق کرد.

تجربه تاریخی نشان داده که از این نوع عملکرد دشمن سود فراوان می‌برد. مبارزه با یک مبارزه مکتبی دراز مدت است. باید در سیاست راه علی را پیمود که قدرت را فدای مکتب می‌کند. نه مکتب و اصول را فدای کسب قدرت.

لاهجان - برادر بدالله شیخ با کدل بسیاری از سؤالات مکتبی شما یا در مکتب شده از جانب جناب جناب جواب داده یا در آینده تدریجا" ضمن ادامه استکون بحث‌ها جواب خواهیم داد.

مواضع سیاسی ما نسبت به گروهها و جریان‌ها از اخلال رفرماله‌ها و بحث‌های سیاسی امت و بیانیه‌های رسمی چنین می‌تواند بدست آورد. تصدیق می‌کنید که پاسخ به این نوع سؤالات در ظرفیت ستون ما مردم نیست. کلا" موضع کبری جنبش در انتخابات مجلس شورای ملی بر این اساس بود که علاوه بر نامزدهای خود از نامزدهای مترقی هم حمایت کند. ولی به هیچوجه به معنای تأیید همه مواضع فکری - سیاسی آن نبوده و نیست.

برادر عباسی (۱) بهتر است در برخورد با استکون افراد روشنگرنا و انقلابی بعد از انقلاب ضعفهای خصلتی شان را به آنان نشانده. بهفهمانی که تنها عمل صداقت و انقلابی بودن یک فرد در عمل و در آزمایشات سخت معلوم میشود که در حرف و شعار و تنها عنوان و در حد تحلیل نمیتواند ملاک آگاهی و درستی بینش یک فرد باشد که در اضمورت باید ابودر و بلال هم از ابوسفیان‌ها پیروی می‌کنند.

(۲) برای شناخت مفهوم و اهمیت و نقش

برادر عباسی (۱) بهتر است در برخورد با استکون افراد روشنگرنا و انقلابی بعد از انقلاب ضعفهای خصلتی شان را به آنان نشانده. بهفهمانی که تنها عمل صداقت و انقلابی بودن یک فرد در عمل و در آزمایشات سخت معلوم میشود که در حرف و شعار و تنها عنوان و در حد تحلیل نمیتواند ملاک آگاهی و درستی بینش یک فرد باشد که در اضمورت باید ابودر و بلال هم از ابوسفیان‌ها پیروی می‌کنند.

(۲) برای شناخت مفهوم و اهمیت و نقش

# ترازنامه یکساله انقلاب

این فرصت را از ما بگیرد و انقلاب را در مسیر غلطی قرار دهد و محور سوم برای سالها جنگ تازه‌ای داشته باشیم. البته جنگ و مبارزه خواهد بود هیچ تردیدی در آن نیست اما در این لحظات با ارزش، قدرت، نیرو و سرمایه‌ای که برای مبارزه بعدی لازم است و ما هم اکنون کسب کرده و می‌اندوزیم تعیین نخواهد کرد. پس اگر در این زمان خوب و فعالانه تلاش کنیم، مبارزه کنیم، توشه بیشتر و سرمایه‌کفی و کمی بیشتری برای مبارزه بعدی داریم. پس نه اینکه مبارزه‌ای نخواهد بود، بلکه مبارزه بعدی حتمی است و تردیدی در آن نیست. اما اگر امروز تلاش نکنیم، در مبارزه بعدی دست ما خالی است و یانگهان ضعف و دروغت فردی قرار می‌گیریم. باید هرچه سریعتر بجینیم و آگاهانه‌تر و متحدتر، در مسیر درست و با تشخیص درست عمل کنیم. مواضع ما هر اندازه صحیحتر باشد، مسلما" پیروزی ما بیشتر خواهد بود. در این رابطه نباید تنبیه باشیم و هر کدام در راهی جداگانه رویم. چرا که در ارتباط نزدیک با هم می‌توانیم ضعف‌های ایدئولوژیک و استراتژیک را نصیح کنیم و به وحدت برسیم و مسئولیت را همه با هم احساس کنیم. به این ترتیب که کافی نیست بعضی فقط گوش بدهند و یا بخوانند ورد شوند. بلکه همه باید در متن مسئولیتها شرکت کنیم. و آنگاه دیگر هیچ کس نیست که نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای در کنار دستانش، خواهران و برادرانش و توده مردم نداشته باشد. بیروز و موفق باشید.\*

والسلام

در اشاره به صحبت و قضاوت آن آقای روحانی و برخی قشریون که در مورد مسئله فلسطین و اسرائیل برای اینکه نحوه تفکر آنها را عربان و فاش کنیم، عین کلمات را علیرغم تلخی و زشتی آن بکار بردم. بدیهی است که هدف من اهانت به برادران سنی نبود، بلکه بهعکس می‌خواستیم نفرت و کینه‌ای که نسبت به این نوع موضع‌گیری در برابر دیگر برادران مسلمان و انقلاب فلسطین و نسبت به دشمن خونخوار صهیونیسم و امپریالیسم داریم، نشان‌دهم. مسلمان‌برادران ما که در جلسه حضور دارند، متوجه مطلب هستند و برداشت غلطی نخواهند نمود.

# پایگاه کودتای خرنده آمریکا

نقشه از صفحه ۱

ندن از اتومبیل بکراست سراج هلسی - کویتهای سالم رفتیم. حتی یکی از همراهان ما داخل هلی کوپتر شدویس از بازدید برکت، تعدادی عکس تهیه کردیم و برگردیم بپس نظامیان، همچنین از کارت شناسایی یا برگه ماه موریسی دال بر وجود ما در منطقه خواست. تعدادی از جنگنده های اف ۴ نیروی هوایی فاصله چند کیلومتری روی زمین شسته بودند و خود را استار نموده بودند.

وسایل و تجهیزات زیر در هلی کویتهای سالم ویا از سوخته‌های آنان قابل تشخیص بود. در یکی از هلی کویتهای ۱۶ تور استار وجود داشت (هروتر برای یک فروند هلیکوپترها میباید) - سالم وسایل مخابراتی از قبیل بی سیم های صحرایی و دس‌ای با فرکانسهای ۷۵MHz و FM و فرکانسهای AM - سالم آرم و کلید ویرجیم ایران جهت نصب و الصاق به هواپیماها و هلیکوپترهای آمریکائی - سالم حبیب رویار یک دستگاه و موتور سیلک تریل کارواراکی ۵ دستگاه - سالم، تیربار کالبر ۵۰، تیربار ۳ - تفنگ های ۸/۱۶ - تفنگ های دوربین دار با گلوله های مخصوص کلت - های انوماک کالبر ۴۵ و رولور های کالبر ۲۸، مسلسلهای M۳ - مجهز به صدا خفه کن، (فستکهای تیربارها ناما" از فشنگهای دو مرحله‌ای منفرجه شونده میباید) سالم و سوخته تفنگ های نارنجک انداز ۴۰ میلیتری با مقدار زیادی نارنجکهای مربوطه - انواع نارنجکهای جنگی (دفاعی، نهایی) به مقدار خیلی زیاد، انواع مواد منفرجه که به مقدار زیادی در هلیکوپترها باقی مانده بود، کیف‌های مخصوص انفجار حاوی چند سینه مواد منفرجه، فوزر بمب، نامبرهای مخصوص بیست ساعتی، جاشی و فتنله‌های مخصوص کارهای سی به مقدار زیاد، (اشک آور - بی‌هوش کننده، کتنده)، ماسک های ضدگاز، حلقه های ضدگلوله، لباسهای مخصوص کبک و مناطق خشک، لباس مخصوصی مناطق جنگلی دوربین های مادون قرمز رای کار در شب به تعداد زیاد، مواد غذایی به مقدار خیلی زیاد آجوب، و وسایل گرم شامل، رنگ مو، موجین زنانه که در آتش سوخته بودند.

تمام سینه‌ها و جرابهای هلی کویتهای را طلق مخصوص ضد نور چسبانده بودند تا نور از داخل به خارج نفوذ نپداندند.

جریان ماجرا: در روئسای رباطیست بادام اهالی و کارکنان جهاد سازندگی جریان را اینطور تعریف می‌کردند که: ساعت ۹ شب پنج شبه که کامیون نفتکش برانندنگی کامل حاج باقرپور از منطقه عبور میکرد که متوجه میشود بطرف او تیراندازی می‌گردد و میبیند که تانکر آتش گرفته است، در همین حین مهاجمین به شیشه جلو اتومبیل وی تیراندازی نموده و نامبرده بر اثر اصابت شیشه هابرمورتنی از آن ناحیه زخمی میگردد ولی با استفاده از تانکرکی شب فرار میکند و بوسیله یک تانکر که در چند کیلومتری پشت سر او حرکت می‌کرده باز میگردد و جریان را به پاسگاه ژاندارمری باغند اطلاع میدهد، در ساعاتی بعد از نیمه شب اولین گروه به منطقه اعزام میشوند. (راهنده تانکر اصلا" متوجه وجود خارجی ها نشده بود و فکر کرده که دزد هستند) سوانیکم \* ژاندارمری در مسائل سازمان موجود در منطقه بود اوضاع را اینطور تعریف کرد: اولین گروهی که به منطقه آمده ما بودیم، موقعی که ما رسیدیم مشاهده کردیم که یک هواپیما آتش گرفته و تعدادی هلیکوپتر در اطراف آن بر زمین نشسته‌اند که موتورکی از آنها روشن است و تعدادی که ظاهرآ" متوال خاموش کردن آتش بودند در اطراف دیده می‌شدند، ما اول تصور کردیم که هواپیما و هلیکوپترها متعلق به نیروی هوایی ایران است لذا برای کمک به آنها شتافتیم، ولی هنگامیکه آنها متوجه ما شدند پا به فرار گذاشتند و در تانکرکی‌کم شدند، هنوز از فرار آنها چند دقیقه‌ای نگذشته بود که ما را بوسیله یک هلیکوپترها ناشناس‌زیر رگبار مسلسل گرفتند و این جریان (تیراندازی) ساعت ۳ ساعت ۵ بطول کشید مسئله قابل توجه اینکه آنها قصد کشتن ما را نداشتند و فقط میخواستند ما را سرگرم کنند.

پس از مدتی تیراندازی هلیکوپترها هم رفتند و بعد از رفتن هلیکوپترها من خودم وارد هلی کویتهای باقی‌مانده شدم واکر احیاناً" بمبی ویا مین گذاری شده بود اول من میبایست که کشته می‌شدم، بلکه به همت اطلاع داده‌شدویس از بازدید فرمانده هتک از محل تعدادی فانوم نیروی هوایی و هلیکوپترهای هوانیروز آمدند. فانومها مقداری مانور دادند و رفتند ولی هلیکوپترها فرود آمدند، افسر فوق اضافه کرد، خلبانان هلیکوپترها تماما" سرهنگ و (پاسداران بزد تماما" بر این مسئله تأکید

استند که مجروحین و کشته این جریان بر اثر تیراندازی بوده‌اند نه انفجار و بعلت اختلاف نظر بین آنها وارتن لذا آنها منطقه راترک کردند.)، گلوله به سر منظر قائم اصابت کرده بود و صورت نامبرده را کاملا" متلاشی نموده‌بود. یکی از سوانیازهای هوانیروز اصفهان که در منطقه حضور داشت گفت پس از رفتن آیت ... . آسمان ظاهر شدند و بطرف هلیکوپتر باقی مانده آتش گشودند که بر اثر این تیراندازی یکی از هلیکوپترها مورد اصابت گلوله قرار گرفت ولی خوشحانه منفرجه نشد، و ما نیز سعی کردیم با علامت به آنها (فانومها) بهفهمانیم که تیراندازی نکنند، وی هم - چنین اضافه کرد که این منطقه کاملا" زیر پوشش رادارهای نیروی هوایی میباید و منطقه ورود احتمالی آنها نیز کاملا" زیر پوشش رادارهای نیروی دریائی میباید و امکان ندارد که این‌ها بدون دیده شدن بتوانند وارد ایران بشوند.

یکی دیگر از همافزهای هوانیروز استان اصفهان میگفت چند روز قبل از ستاد مشترک دستور دادند که اکثریت ظرفیت جنگی موجود هلی کویتهای کهنده کبری را به کرمانشاه بفرستند و به پیرو این دستور ۴۰ فروند هلیکوپتر آماده هوانیروز اصفهان که هوانیروز کرمانشاه خود دارای ۱۲۰ فروند از این هلیکوپتر میباید او میگفت که این اعزام فقط به این دلیل صورت گرفته است که در صورت ورود هلی- کویتهای افراد آمریکائی به منطقه در اصفهان هیچ هلیکوپتری برای مقابله با آنها وجود نداشته باشد.

یکی از پاسداران اعزامی از مشهد گفت اکثریت سلاح و مهمات (مهمان) را از رتس برده است که شامل انواع تفنگها و تیربارها و اسلحه های کبری و دوربین های مادون قرمز و اسلحه های مجهز به صدا خفه کن میباید و تعداد ۳۰ قیضه رولور کالبر ۲۸ نیز جهت استفاده سیاه پاسداران مشهد از این منطقه برده شده است! این جریان به عرض آقای خلخالئی رسیده است.

سوانیکم ژاندارمری گفت اولین هلی - کویتری که مورد اصابت راکت قرار گرفت هلیکویتری بود که اسناد در آن بود و در ضمن رادبو(دستگاه ارتباطی) آن روشن بود.

سوانیاز خلبان هلیکوپترها ۲۱۴ ماه مور در منطقه گفت که ۱۳ برگ اسناد موجود در یکی از هلیکوپترها را که شامل نقشه عملیاتی و احیاناً" لیستی از اسامی بود به سرتیب عمادی فرمانده هوانیروز تحویل داده‌است، سرتیب عمادی پس از تحویل گرفتن اسناد (بدون صورجلسه) بی وقفه سوار هلیکوپتر شد و وقت من اسناد را به سناد مشترک میبرم.

یکی از کارکنان جهاد سازندگی روئسای رباطیست بادام میگفت روز پنج شبه قبل از فرود هواپیماها و هلیکوپترهای آمریکائی یک افسر ژاندارمری با همراهی یکفر دیگر بوسیله یکدستگاه جست از منطقه بازدید کرده بودند. و بطور خلاصه:

۱ - هیچگونه حفاظتی از نظر نظامی (هوائی و زمینی) از منطقه و حتی هلی - کویتهای محل نمی‌باشد.

۲ - هیچک از افراد موجود در منطقه شخصی هلیکوپتری نبودند و حتی مقررات حفاظت مربوطه در آن منطقه اجرا نشد.

۳ - پاک یکی از هلیکوپترها جکه منگرد و تا آنکه در شرایطادی‌ساید فاصله" بجاهای سکار یا آنس در منطقه روسی کتند با استعمال از سکار کتند در کنار هلیکوپترها فوق ضمانت نمسد و این موضوع خطر جدی برای هلیکوپتر و افراد حاضر در منطقه میباید.

۴ - هیچ دلیل موجهی برای این‌پدما هلیکوپترها بوسیله سماران نیروی هوایی وجود نداشت بطوریکه حتی کم تجربه ترین فرد فنی میداند که برای از کارانداختن یک هلیکوپتر کافی است که فقط باطری آن را برداشته ویا یکی از کابلهای مربوطه را قطع نمایند و در صورت احتمال مین گذاری این مسئله قابل توجه است که قبل از سماران

۴ - هیچ دلیل موجهی برای این‌پدما هلیکوپترها بوسیله سماران نیروی هوایی وجود نداشت بطوریکه حتی کم تجربه ترین فرد فنی میداند که برای از کارانداختن یک هلیکوپتر کافی است که فقط باطری آن را برداشته ویا یکی از کابلهای مربوطه را قطع نمایند و در صورت احتمال مین گذاری این مسئله قابل توجه است که قبل از سماران



سینه‌های سفید حاوی توپهای استار هلیکوپتر است که ۱۶ تور در این هلیکوپتر موجود بود (هر تور مربوط به یک هلیکوپتر است) سمت چپ عکس بیسم صحرایی مشاهده میشود.

افراد از ژاندارمری بداخل هلیکوپتر رفته بودند و احتمال خطر مین گذاری از بین رفته بود و نیز بوسیله یک دستگاه مین یاب مینواسنجند از وجود مینها باخبر شوند و لازم بیادآوری است که زمینی منطقه طوری بکر بود که اگر زمین کوچکترین دست خوردگی داشت کاملا" معلوم بود کما اینکه تمام جای گلوله‌ها در زمین باقی بود و بنا به گفته اولین اکیب حاضر در منطقه امریکائیان فرصت هیچ کاری نداشتند جز فرار.

۵ - اگر عده‌ای از امریکائیا هنوز هم در منطقه باشند خیلی راحت مینواسنجند دست به هر اقدامی بزنند چون هیچ حفاظتی نه از زمین و نه از هوا از منطقه وجود ندارد و از بوشی حفاظتی هفت کیلوسری گفته شده در رادیو تلویزیون خبری نبود.

۶ - اعلام شد که در آنتیب هلیکوپتر و هواپیماهای با بعلت وجودتوقان شن قادر به پرواز نبودند در صورتیکه اینهمه وسیله" برنده" امریکائی براحتی این کار را انجام دادند.

۷ - مسئولین تا بحال برای انتقال هلیکوپترها هیچگونه اقدامی نکردند در حالیکه در شرایط جوی کویر هر هلیکویتری بعلت وجودتوقانهای شن نمیتواند مدت زیادی در آنجا بماند در غیر اینصورت ذرات شن و ماسه موجود در هوا به موتور و نقاط حساس هلیکوپتر نفوذ کرده و هلی - کویتر را از کار میاندازد و به اصطلاح فنی (اف - او - دی) میگردد.

۸ - یک مقام مسئول هرگز نباید در رتس‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) نقاط ضعف نظامی مثلا" نقطه کور رادار را از روی نقشه تمام دنیا نشان دهد تا سلاستی کشور ما در بحال جنگ است.

۹ - اسناد کشف شده بدون صورجلسه در اختیار یک نفر قرار داده شده است (سرتیب عمادی).

۱۰ - اگر منطقه‌ای که هواپیماها و هلی - کویتهای آمریکائی وارد شدند نقطه کور رادار بوده امریکائی بعدی و منطقه فرود نقطه کور نبوده و زیرپوشش چندرادار داخلی بوده (پایگاه هشتم - جاه بهار - بندر عباس - سیراز - و...) .

۱۱ - هیچک از مقامات مسئول اقدام فوری و غیر فوری انجام ندادند و در رابطه با این مسئله هیچ برخورد جدی نداشتند.

۱۲ - کلیه" اقدامات انجام شده" امریکا با توافق قبلی و هماهنگی های لازم مقامات داخلی انجام شده بود و در غیر این صورت امریکا به هیچ وجه قادر به انجام این عملیات نبود.

۱۳ - اینهمه نیرو و مهمات برای کروگانها نبوده و واضح است که برای اقدامات دیگری آمده بودند.



# نگاهی به مطبوعات خارجی

آنچه که در ذیل از نظر شما می‌گذرد، نقطه‌نظرهای مطبوعات خارجی در قبال مسئله سیاستهای حاکم‌گزارانه آمریکا است. ذکر این نکته ضروری می‌باشد که مواضع اتحاد شده، لزوماً مواضع جنسی مسلمانان مبارز نمی‌باشد و صرفاً برای آگاهی خوانندگان درج می‌گردد.

## عکس العمل کشورهای برابر تجاوز نظامی امریکادرایران

پس از تلاش نافرجام ایالات متحده آمریکا در نجات گروگانهای خود از ایران که به قیمت از دست دادن جان هشت کاندو و یک هواپیمای هرکولس و چند فروند هلیکوپتر تمام شد، وضع بسیار بحرانی چه در ایالات متحده آمریکا و چه در ایران و چه در سایر کشورهای جهان از خود بجای گذاشت. در آمریکا همانطور که در اخبار آمده، ساریوس ونسی وزیر امور خارجه آمریکا به عنوان اعتراض به روش کشور خود در مورد استفاده از زور و تهر در نجات گروگانها استعفا کرد و بدین ترتیب راه را برای اقدامات آینده ایالات متحده و طرفداران استفاده از راههای خشن که در رای آنها برزیسکی مشاور امنیتی کارتر قرار دارد بجای گذاشت.

در فرانسه علاوه بر ژسکار دستن و اعضای هیئت دولت که تفاهم خود را بطور غیررسمی در مورد اقدام نظامی آمریکا ابراز داشتند فرانسوایمتران رهبر سوسیالیستهای این کشور در میان بهت و حیرت حتی عده زیادی از سوسیالیستهای فرانسه اقدام نظامی آمریکا در ایران را بطور مثبت مورد ارزیابی قرار داد و اعلام داشت که این حق مشروع هر کشوری است که برای نجات جان گروگانهای خود دست به این قبیل عملیات بزند.

## نظر مطبوعات در مورد عملیات نافرجام آمریکا

روزنامه (ماریو) چاپ اسرائیل می‌نویسد: این ضربه دیگری بود بجهت ملیت برزیدن کارتر و برای اسرائیل نیز مزه خوبی محسوب می‌گردد. دنیای آزاد امیدوار است که شکست عملیات نظامی آمریکا در ایران باین کشور بزرگ و توانگر یاری نماید تا بر ضعف خود غلبه نموده با قامتی استوار بایستد.

ساحه ایران آمریکا را ناگزیر خواهد نمود در راهیکه از پایان جنگ ویتنام تاکنون در پیش گرفته بود، خط ضحییی یکسد، اگر آمریکا میل دارد بحیات خود ادامه بدهد موظف است بممانند یک ایرقدرت رفتار نموده و تمام قدرت خود را بکار گیرد. در غیراینصورت براوست که صحنه تاریخ را رها نموده و آنرا کاملاً در اختیار شوروی قرار دهد.

لوس آنجلس تایمز، خواستار گردیده که یک کمیسیون تحقیق تشکیل گردد تا بررسی کند که کسی در این شکست مقصر بوده، پنتاگون، وزارتخارجه، یا کاخ سفید...

روزنامه فرانسوی لوور یک اقدام نظامی دیگر آمریکایی را بایران طی روزهای آینده پیشبینی نموده است و نوشته است که این غیرممکن است که یک ایرقدرت مانند آمریکا سرفروود آورده و بر مردگان خود زاری کند و شکست را مورد قبول قرار دهد.

## مصاحبه نماینده ایران در سازمان ملل درباره گروگانگیری

یونایتد پریس سغیر ایران در سازمان ملل روز پنجشنبه بدیوقت که کشورش درکار گروگان گیری آمریکائی‌ها غیرقانونی عمل کرده، لیکن متذکر شد که ماین امر قابل درک است. منصور فرهنگ سغیر ایران در سازمان ملل شب گذشته در پاسخ به سئوالات بل-مویرز، خبرنگار تلویزیون گفت: ایالات متحده آمریکا واقعیت انقلاب ایران را حتی تا زمان حاضر درک نکرده است.

خبرنگار با یادآوری این مطلب که ایران ازمدائیکه با اعراب ایرانی که در سفارت ایران در لندن دست بگروگانگیری زداند، خودداری می‌کند سئوال کرد: آیا

این عمل متقابلی نیست؟ فرهنگ در پاسخ گفت: بله چنین است.

مویرز سئوال کرد: آیا گروگانگیری در ایران قانونی بود؟

فرهنگ پاسخ داد نه، بهیچوجه و افزود گروگان گرفتن کارکنان سفارت آمریکا در تهران پاسخی به بدیش شاه مخلوع در ایالات متحده بود. وی ضمن اشاره به کودتای سال ۱۹۵۳ در ایران با حمایت آمریکا و نیز ۱۹۷۴ در شیلی افزود: از لحاظ تاریخی این کاملاً طبیعی است که بدیش شاه مخلوع را بعنوان یک اقدام سیاسی جلوه داد، بنابراین از این دیدگاه گروگانگیری قابل قبول است.

## تأسیس چهار پایگاه نظامی امریکائی در عمان

خبرگزاری لیبی گزارش داد که طبق یک موافقتنامه سری میان ایالات متحده آمریکا و سلطان نشین عمان، ایالات متحده تأسیس چهار پایگاه نظامی در عمان را آغاز کرده است.

این خبرگزاری اضافه کرد که گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج و تأسیس پایگاههای نظامی در خاک عمان دلیلی بر مقاصد ایالات متحده جهت تسلط بر چاههای نفت این منطقه می‌باشد.

## پروانه امریکائی برای بمباران تأسیسات نظامی ایران

روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد: وزارت دفاع آمریکا چند برنامه آماده در دست داشت تا در صورتی که اقدام نجات گروگانهای امریکائی با مقاومت و مخالفت نیروهای ایرانی مواجه شود، تأسیسات نظامی ایران را بمباران نماید.

## بازتاب انتخاب ادوموند ماسکی بوزارت خارجه آمریکا

تایمز لندن ضمن اظهار رضایت از این انتصاب می‌نویسد:

اکنون با ظهور ماسکی بعنوان وزیر خارجه آمریکا امید فراوان وجود دارد که برای اولین بار پس از چندین سال وزیر خارجه این کشور دارای موضعی محکم تر از مشاور امنیت ملی می‌باشد و این موضع بویژه هنگامیکه وزارت خارجه آمریکا در پی نافرجام ماندن کام نظامی آن کشور برای رهایی گروگانهایش در تهران دچار نابسامانی شده بسیار ضروری است. از سوئی آمریکائیکها باید در وفاداری خود بسیاستهای رهبران خویش تجدید عهد نمایند.

گاردین، انتخاب ادوموند ماسکی را بجانشینی ونس انقلابی زیر بنائی در چهارچوب کاخ سفید توصیف می‌کند. این انتخاب بدون شک دولت کارتر را بخواسته و تمایل مردم آمریکا نزدیک خواهد کرد.

روزنامه گاردین گفته نابسامانی و بحران را در داخل دولت کارتر ضعف رهبری می‌داند. چند روزنامه آفریقائی نیز واکنش گوناگونی نسبت به انتخاب ادوموند ماسکی بوزارت خارجه آمریکا ابراز داشته‌اند. یکی از این روزنامه‌ها انتخاب ماسکی را بوزارت خارجه آمریکا بوسیله کارتر به آن دلیل می‌داند که وی ممکن بود در آینده بصورت یکی از مخالفین کارتر درآید و رئیس‌جمهوری آمریکا در این باره پیش - دستی کرده‌است.

## یک شرکت انگلیسی عملیات خود را در ایران متوقف کرد

شرکت مهندسی "مارلرزجیوی" انگلیسی روز گذشته تصمیم گرفت بدلیل عدم پرداخت بدهی از طرف دولت ایران بابت کارهای جاده‌سازی این شرکت در ایران عملیات راهسازی یک شاهراه در بلوچستان را متوقف کرد. این شرکت وظیفه داشت جاده‌ای بطول ۳۰۰ کیلومتر در بلوچستان بسازد. مبلغ کل این پروژه بر ۱۰۵ میلیون پوند برابر با یک میلیارد فرانک فرانسه بالغ می‌شود.

## سه مساله مهم ناشی از اقدام برای نجات گروگانها

در روز شانزدهم اردیبهشت ماه سال ۵۴ در اوج ناخت و تاز رژیم فاشیستی وابسته به امپریالیسم آمریکا، فاجعه‌ای شکل گرفت و ضربهای از درون بر بیکر نهضت انقلابی خلق وارد آمد که اثرات آن چون زخمه چرک‌نشستهٔ مرمی سالهای سال بر بیکر حرکت انقلابی مردم بجای خواهد ماند. سازمانی که بدلیل ماهیت توحیدی - انقلابی خود چون سناره‌ای در دل شب تیره و ظلمانی درخشیده و بر تارک اعتماد و بخشی از توده‌هاشسته بود، بیکاره از درون مورد یورش فرصت طلبانه واقع شده و بیکاره دارندگان تمایلات و خصنهای رهبری طلبانه و ماجراجویانه برای بکری نشانند "حقانیت تاریخی" ایدئولوژی مورد نظر، دست به خون برادر و یار و همرزم وهمسگر خود آلودند.

عمق فاجعه در آن بود که تمایلات روشنفکرانه جماعتی که با ارتکاب جنایت قتل همرزم و همسگر خود می‌خواستند "حقانیت تاریخی" ایدئولوژی خود را بنفایات رسانند، آنچنان بر آنان مسلط گشته بود که ماهیت و عملکرد فرصت طلبانه و هرج و مرج طلبانه خود را لباس تئوری انقلابی پوشانده و غافل از آنچه که در جامعه می‌گذشت و روی میداد عرضه می‌نمودند، دست در خون همسگر خود می‌آلودند و می‌گفتند خائن بود، اعدام گردید. عناصر انقلابی مذهبی را که حاضر نبودند برده‌دهنیات بریده از واقعیات آنان شوند عملاً" بدامن پلیس شاه رها می‌گردند و می‌گفتند مرتجع بودند تصفیه شدند.

تشیلاتی را که حاصل اندیشه و عمل و رنج و شکنجه و شهادت رزمندگان مسلمانی چون حنیف‌نژاد و سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان بود و با ایثار و شهادت و تلاشهای خستگی ناپذیر و فداکارانه عناصر مومن و صادق و صالح از دامها و تورهای پلیسی شاه محفوظ مانده بود، عصب کرده و چنین می‌پنداشتند که تنها کفایت تابلوی سر در تشکیلات را عوض کنند!! گمان می‌کردند که تشکیلات باشکاهی است که از این بعد بنام دیگری نامیده خواهد شد و برای رسیدن به این هدف همه شوهها را مباح می‌دانستند، حتی خون همرزم و همسگرند برین را برای بکری نشانند تفکر مورد نظر خود بر هر چه اصول بود پای گذاشتند، و هرچه استدلال ضدعلمی و ضداخلاقی بود، بنام تفکر علمی تئوریزه نمودند.

رزمندگان مسلمان و مجاهدینی چون

گاردین می‌نویسد: اقدام برای نجات گروگانها سه مساله مهم بدنبال داشته است.

اول اینکه موقتاً اعمال اقدامات نظامی دیگر را برعلیه ایران منتهی کرده است. دیگر آنکه سرانجام عزم دستگاه رهبری آمریکا را بکشورهای اروپائی متحد ای ایالات متحده نشان داده است.

و بالاخره اینکه مأموریت مزبور اعتمادی را که طرفداران و متحدان آمریکا نسبت برهبری آن کشور داشته‌اند، تضعیف نموده است. علاوه بر این مأموریت گروه نجات امریکائی رامیوان شکست دیگری برای گروههای ضعیف میانرو درایران تعبیر کرد. علاوه بر این شکست کارتر برای نجات گروگانها آزادی آنان را با پیچیدگی بیشتری روبرو ساخته است. دول اروپائی باید دست به یک ابتکار دیپلماتیک جدید بزنند تا هدفش نه تنها عادی ساختن روابط با ایران و بالنتیجه آزادی گروگانهای امریکایی باشد.

روزنامه تایمز می‌نویسد: با وجود رنجشهای متحدان اروپائی از کارتر، زمان برای شکوه و شکایات تلافی‌جویانه مناسب نیست و اکنون نیاز بدان است که نمایندگان دول اروپائی دوباره گرد هم آمده و با مشاوراتی گسترده‌تر به استراتژی و تاکتیکی واحد دست بزنند.

## سادات: شکست عملیات کوماندوئی به اقدامات جدید لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت

قاهره: انورالسادات بعد از نماز جمعه در دهکده محل اقامتش "میت ابول کم" به خبرنگاران گفت: عملیات برق‌آسای آمریکا

# مجید شریف واقعی، اسوه استقامت و پایداری



خلق و در رأس آنها رژیم شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم آمریکا بود، هدف آماج گلوله‌های خود قرار داده و سپس حسد او را سوزاندند و سپس گفتند و نوشتند که "فصل نوبتی در مبارزات مسلحانه خلق گشوده شد". فصل نوبتی که با مقاومت دلیرانه و حماسه‌آفرین صمدی‌لیلاف در قهر انقلابی نسبت بدشمن و زبونی و خیانت وحید افراخه در سازش و تسلیم بر رژیم مغفور به ثبت رسید. فصل نوبتی که تخم سنت و تفرقه و عدم اعتماد و سوئظن در میان خلق باشد. فصل نوبتی که به خرسندی و رضایت شاه جنایتکار مهور شد.

مجید شریف واقعی، صمدی لیلاف، حسن ابرازی، علی اکبر نبوی نوری و محمد یقینی و بسیاری دیگر تنها بجرم پایداری و استقامت بر عقیده و ایمان و تنها بجرم آنکه خود را مذهبی دانسته و میراث‌دار سازمان مجاهدین می‌دانستند مورد کینه و خشم و تنفر واقع شده و بنام خائنین شماره ۱ و ۲ و ۰۰ نامیده شدند. فرصت طلبان آنارشیت غافل از آنچه که در جامعه رخ می‌داد، عمر اندیشه و تفکر توحیدی و الهی را بپایان رسیده می‌دانستند و ذهنیات و تئوریهای پرداخته مغزهای فرصت طلب و ماجراجوی خود را برچم برافراشته مبارزات ایدئولوژیکی نامیده، یاران دیروز خود را منمهم به اقدامات "خیانت‌آمیز" "سرقت"، "توطئه خائانه" و "از پشت خنجرزدن" می‌نمودند و در همان حال با دستهای خود از پشت، خنجر را بر سینه جنینش انقلابی خلق می‌نشانند. تلاش می‌کردند با بیابیه و جار و جنجال مسیر مبارزه انقلابی گروههای غیر- مذهبی از سوی رژیم خائن و وابسته شاه به انقلابیون مذهبی تغییر جهت داده و وحدت ضدامپریالیستی مردم را خدشه سازند و در این راه خود را تنها و وارثین خلف اندیشه‌پردازان مارکسیسم، لنینیسم دانسته و برچم برولناریا را تنها در دست خود می‌دیدند.

فرصت طلبان ضدفکاهی عمیق ایدئولوژیکی و انگیزه‌های فردی رهبری طلبی و جاه طلبی و خصنهای منفی روشنفکری و خرده - بورژوازی خود را با شیوه‌های آنارشیستی و ضددموکراتیک و اتهام و قتل و حرح که نهایتاً به همکاری خائانه با ساواک نیز کشیده شده (وحید افراخه، از سردمداران جریان اپورتونیستی بود و خائانه بخلق پشت کرد و با رژیم همکاری نمود) توجیه می‌نمودند.

فرصت طلبان در روز ۱۶ اردیبهشت در توطئه خائانه‌ای سینه مجید شریف واقعی را که مالامال از عشق به خلق و کینه‌به‌دشمنان

در ایران "با بدشانسی روبرو شد. ولی این جریان نباید سبب تضعیف روحیه و عدم اجرائی عملیات دیگر برای آزادی گروگانها شود" هنگامیکه از سادات سئوال شد که آیا گزارش رادیو اسرائیل مبنی بر اینکه مصر یک پایگاه هوائی خود را برای شروع عملیات در اختیار آمریکا قرار داده است صحیح است یا نه وی در جواب بطور مبهم گفت: "که" من به مردم آمریکا قول داده‌ام تأسیسات خود را در اختیار نجات گروگانها قرار دهم و این تأسیسات در اختیار هر کشور عربی منطقه خلیج‌هم که از ما استفاده کند، خواهد بود. این سیاست من است.

## اظهارات قطب زاده به مطبوعات فرانسه

بیروت - خبرگزاری فرانسه ۲۸ آوریل صادق قطب زاده، وزیر امور خارجه ایران روز گذشته در گفتگویی با مطبوعات فرانسه درمورد اقدام نظامی آمریکا برای آزاد ساختن گروگانهایش تأکید کرد که باید تشنج را کاهش داد، ناظران در تفسیری اظهار عقیده کردند که قطب زاده اظهار داشته است که عملیات نظامی آمریکا در ایران متأسفانه اثر منفی داشته لیکن در سعی خواهیم کرد محیطی بوجود آوریم که در آن امکان داشته باشد مسئله گروگانها را بطریق مسالمت آمیز حل کنیم، زیرا باید بدانیم که یک راه حل هرگز به نتیجه نخواهد رسید و آن حل از طریق اعمال زور میباشد.

عزت عدم قطع رابطه دیپلما تیب آمریکا با ایران تا اوائل آوریل

هفته نامه امت شماره ۵۵ چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ سال دوم زیر نظر: شورای نویسندگان امت خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو ۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۸۳۱ چاپ شرکت امت، بهمن ماه

هوظنان مبارز لطفاً وجه نشریه امت و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۳۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را بدفتر امت ارسال دارید. متشکریم